

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

○ عباس پرتوی مقدم

۷۵

پیشینه جمهوری خواهی در ایران

شکستهای تاریخی حکومت قاجار از دولتهای اروپایی (روسیه و انگلستان) در نیمه اول سده نوزدهم میلادی، ضعف و ناتوانی مدنیت کهن ایرانی، بویژه فرسودگی نظام سیاسی و اجتماعی آن را بر اقلیتی از ایرانیان آگاه و هوشمند آشکار ساخت. این گروه که برتری قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی غرب، آنان را مبهوت خود کرده بود، در پی درک راز و رمز این برتری و اسباب و عوامل پیشرفتهای مادی و معنوی تمدن غربی بودند. از این رو باب آشنایی و مرآده فرهنگی از طریق و شیوه‌های گوناگون حاصل آمد.

نظامهای سیاسی اروپا در شکل‌های مشروطه پادشاهی، مشروطه پارلمانی و جمهوری، که برآمده از رنسانس اروپا و انقلاب کبیر فرانسه بود، بیش از هر چیزی، نظر محدود ایرانیان کنجکاو را معطوف خود کرد. از نظر این گروه، شیوه کشورداری و زمامداری اروپاییان، علت العلل پیشرفت و قدرتمندی غربیان بود و بر همین مبنا و دیدگاه، راه‌حلهایی برای برون رفت ایران از آن موقعیت ضعف و نزار ارائه می‌کردند.

اولین نمود عینی تأثیرپذیری ایرانیان از نظامهای سیاسی غربی در شکل جمهوری، به هنگام مرگ محمدشاه قاجار در ۱۲۶۴ ق تجلی یافت و گروهی کوچک برای نخستین بار، ساز جمهوری را در ایران نواختند. بنا بر نوشته مؤلف تاریخ نو: «... در آن وقت جمعی از خودخواهان

بر سر میرزا نصرالله صدرالممالک^۱ اجتماع کرده، کنکاش می نمایند که باید دولت ایران را جمهور نموده و امورات دولتی را منوط به مصلحت دید جمعی باید ساخت.^۲ هر چند این حرکت محدود و گذرا بود و انگیزه و هدف واقعی آن مشخص نیست؛ اما در نوع خود بدیع و جالب است. در زمان ناصرالدین شاه بار دیگر زمزمه جمهوری خواهی در گرفت و گزارش شد، میرزا ملکم خان در فراموشخانه، اندیشه جمهوریت را تبلیغ و زمینه را برای رئیس جمهوری شاهزاده جلال الدین میرزا فراهم می کند؛ شاه و حشمت زده دستور انحلال فراموشخانه و تبعید ملکم و پدرش را از ایران صادر کرد.^۳

اگر چه سلطه قاهرانه ناصرالدین شاه، مجال بروز تفکر سیاسی تازه‌ای را در ایران نمی داد؛ اما به نظر می رسد این اندیشه بویژه نگره جمهوری خواهی، در آن دوره و پس از آن، از کمترین زمینه مساعد فرهنگی و اجتماعی برخوردار نبود. به همین دلیل، حکومت مستبد قاجاری برای سرکوب جنبشهای اعتراضی، مهر جمهوری خواهی بر آنها می زد. هنگام قیام تنباکو برای لغو امتیازنامه رژی در ۱۳۰۹ ق، ناصرالدین شاه و درباریان، چنین وانمود کردند که معترضان، هواخواه جمهوری و جمهوری طلب هستند و امتیازنامه را دستاویزی برای شوراندن مردم بر حکومت ساخته اند؛ و می کوشیدند تا مدعای اصلی مخالفان امتیاز رژی را نابودی سلطنت قلمداد کنند.^۴

۷۶

در دوران سلطنت مظفرالدین شاه زبون و سست عنصر، فرصت بهتری برای اشاعه اندیشه سیاسی غرب در ایران فراهم آمد. یکی از نشانه‌های رسوخ این تفکر، واکنش تعدادی از علمای آن دوره به این اندیشه است. محمد رفیع نظام‌العلمای تبریزی در کتاب حقوق دول و ملل یا تحفه خاقانیه و سید حسین موسوی در رساله تشکیل ملت متمدن و شیخ ابوالحسن مرندی در رساله دلائل البراهین الفرق در رد عقاید مزدکیان و جمهوری طلبان، اندیشه و نظامهای سیاسی برآمده از تمدن غربی را مورد انتقاد شدید قرار دادند.^۵ در دوره مظفری، مشروطه خواهان و جمهوری طلبان ایران به سبب مهیا نبودن فضای فرهنگی و اجتماعی، به ناچار ایده‌های سیاسی خویش را در پس شعارهایی نظیر قانون خواهی و مساوات طلبی پنهان می کردند.

انقلاب مشروطه نیز تا آخرین گام، خصلت قانون گرایی و عدالت خواهی داشت و حرفی از مشروطه نبود؛ بلکه علماء که هدایت جنبش را بر عهده داشتند، هرگونه تأثیرپذیری از اندیشه‌های غربی را نفی می کردند. عین الدوله، صدراعظم مستبد مظفرالدین شاه می کوشید تا هدف و خواسته جنبش اعتراضی را جمهوریت معرفی کند. او در مذاکره با شاه و ارسال پیغام برای رهبران مذهبی، بر این نکته تأکید می ورزید که معترضان، عده‌ای مفسده جو، بی دین و

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

جمهوری طلب اند که مقصودی جز انقراض مملکت و از بین بردن روحانیت ندارند.^۶ این تبلیغات، آیت الله سید محمد طباطبایی را ناچار به پاسخ گویی و رفع اتهام ساخت. او در سخن رانی ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۲۴ گفت: «حالا بعضی می گویند ما مشروطه طلب و جمهوری طلب می باشیم، به خدای عالمیان و به اجداد طاهریم قسم است که این حرفها را مردم به ما می بندند. اگر گفتیم معدلت می خواهیم، غرض این بود که مجلسی تشکیل شود و مجلس و انجمنی داشته باشیم که در آن مجلس به داد مردم برسند.»^۷

آیت الله بهبهانی نیز اتهام جمهوری و مشروطه خواهی را مردود دانست.^۸ گاهی مزه جمهوری به مذاق شاه زادگان مستبدتر از شاه نیز خوش می آمد؛ در کشاکش زور آزمایی محمد علی شاه و مشروطه خواهان، مسعود میرزا ظل السلطان، که ستمگری و مظالم او در اصفهان بر کسی پوشیده نبود، جمهوری خواه شده و سودای ریاست جمهوری داشت.^۹ هنگام فتح تهران و سقوط استبداد صغیر، بار دیگر زمزمه جمهوری خواهی برخی مجاهدان گیلانی به گوش می رسید، اما به سبب مخالفت جراید رسمی روسیه و حمایت شدید دولت آن کشور از دودمان قاجار (به استناد بند ۵ معاهده ترکمانچای) انعکاسی نیافت.^{۱۰}

به دنبال وقوع انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷ در روسیه و مقارن با واپسین ماههای ۱۳۳۸ ق حرف و حدیثهایی درباره تغییر رژیم ایران به جمهوری و ریاست جمهوری اشخاصی نظیر عبدالحسین میرزا فرمانفرما و میرزا حسن خان مستوفی الممالک در محافل سیاسی پایتخت بر سر زبانها افتاد؛^{۱۱} اما از مرحله حرف فراتر نرفت. در ۱۶ خرداد ۱۲۹۹ نیروهای تحت فرمان میرزا کوچک خان جنگلی، دو روز پس از تصرف رشت، با صدور اعلامیه ای، نظام سلطنت را ملغی و برقراری حکومت جمهوری، تحت عنوان جمعیت سرخ انقلاب ایران را اعلام کردند.^{۱۲} گویا سید ضیاء الدین طباطبایی، رئیس کابینه کودتای سیاه، در اواخر اردیبهشت ۱۳۰۰، پس از آنکه با ناخشنودی شاه و تزلزل کابینه خود مواجه شد و سقوط دولتش را مسجل دید، به فکر کودتای دوم برای خلع قاجار و برقراری جمهوری افتاد؛^{۱۳} اما شریک و متحد او در کودتا، یعنی رضاخان، راه خود را از سید ضیاء جدا ساخت و به حمایت از احمد شاه پرداخت تا همچنان در عرصه قدرت سهمیم باشد.

گزارشهای ضد و نقیضی نیز درباره تمایلات جمهوری خواهانه جنبش کلنل محمد تقی خان پسین بیان شده است.^{۱۴}

ابوالقاسم لاهوتی، افسر و شاعر چپگرایی که در بهمن ۱۳۰۰، کر و فر چند روزه ای در تبریز به هم زد، هوای جمهوری خواهی در سر داشت.

جمهوری رضاخانی از آغاز تا پایان

دولت انگلستان، که از انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ با دولت وثوق الدوله، طرفی نبسته و به اهدافش دست نیافته بود، در پی طراحی و اجرای برنامه جدیدی برای تحقق هدفهای قرارداد بود. از این رو در نیمه دوم ۱۲۹۹، ژنرال آیرونساید با هم‌دستی سرپرسی لورن، وزیر مختار انگلستان در ایران، مشغول تدارک مقدمات کودتا شدند. آنان ابتدا از طریق تبانی با احمدشاه، استاروسلسکی، فرمانده روسی قزاق را برکنار و سردار همایون ضعیف و سست اراده را جانشین او ساختند. اندکی بعد آیرونساید، سردار همایون را معزول و رضاخان میرپنج، فرمانده آتریاد تبریز را به جای او منصوب کرد.^{۱۵} آیرونساید، چند روز پیش از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و پس از آنکه قرار و مدارهای لازم را با مجریان کودتا گذاشت، راهی بین‌النهرین شد.^{۱۶}

رضاخان که پس از کودتا لقب سردار سپه گرفته بود، از ۴ اردیبهشت ۱۳۰۰ تا آبان ۱۳۰۲ در شش کابینه (سیدضیاءالدین طباطبایی و قوام السلطنه با دو کابینه و مستوفی‌الممالک و مشیرالدوله با دو کابینه) در پست وزارت جنگ ماند و از هیچ کوششی برای توسعه و تحکیم قدرت خویش دریغ نورزید. این در حالی بود که اکثریت نمایندگان مجلس چهارم مخالف او بودند و شاه و رئیس‌الوزراء چندان دلخوشی از او نداشتند. در ۱۵ مهر ۱۳۰۲، زمانی که نشانه‌های ضعف و تزلزل کابینه مشیرالدوله آشکار گردیده بود؛ سید محمدصادق طباطبایی، سلیمان میرزا اسکندری، کریم خان رشتی و سرلشکر خدایارخان خدایاری، شبانه به منزل سردار سپه رفتند. آنان هم قسم شده، محرمانه پیمان بستند تا تحت ریاست رضاخان، دولتی قادر و لایق تشکیل دهند و هدف این دولت حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و اصلاح امور کشور از اساس باشد.^{۱۷} در آخرین روزهای مهر ۱۳۰۲ که مشیرالدوله، رئیس‌الوزراء خسته و ناتوان استعفا کرد، شرایط برای رئیس‌الوزرائی سردار سپه فراهم شد. مستوفی‌الممالک حاضر به پذیرش سمت ریاست دولت نشد؛ قوام السلطنه، دیگر مشتری پر و پا قرص آن مقام، اندکی پیش از این به اتهام توطئه برای ترور وزیر جنگ، دستگیر و تنها با خواهش و تمنای احمد شاه؛ رضاخان به تبعید او به اروپا رضایت داده بود. در چنین شرایطی، شاه، در ۳ آبان ۱۳۰۲، ناگزیر از صدور فرمان ریاست وزرائی سردار سپه گردید و هم‌زمان با آن، در اعلامیه‌ای، مردم را از سفر قریب‌الوقوع خود به فرنگ آگاه ساخت.

رضاخان که از حمایت انگلستان نسبت به خود اطمینان داشت؛ برای جلب پشتیبانی روسها، عناصر چپگرا از حزب سوسیالیست را وارد کابینه خود کرد. سلیمان میرزا اسکندری، امان‌الله خان عز‌الممالک اردلان و میرزا قاسم خان صوراسرافیل، سه عضو حزب سوسیالیست بودند که

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

در دولت سردار سپه به ترتیب عهده دار وزارت معارف و اوقاف ، فوائد عامه و کفیل وزارت داخله شدند. محمدعلی فروغی ، ابوالحسن معاضدالسلطنه پیرنیا که هر دو از اعضای لژ ماسونی بیداری ایران بودند و نیز محمودخان مدیرالملک جم ، سرلشکر خدایارخان و حسین خان عدل الملک دادگر ، دیگر وزرای کابینه سردار سپه را تشکیل می دادند.

نخستین بیانیه سردار سپه به عنوان رئیس دولت و وزیر جنگ ، حاوی نکته های درخور توجهی است . او با اشاره به اینکه وضع قشون ، امنیت و اقتدار حکومت مرکزی با سه سال قبل (منظور پیش از کودتای ۱۲۹۹) تفاوت اساسی کرده است ، خاطر نشان ساخت : «تا امروز مملکت را امن می کردم و نمی توانستم به کار دیگر برسم . از امروز ان شاء الله به سایر کارها رسیدگی می کنم.»^{۱۸} و در پایان ، اساس برنامه دولت خویش را دو اصل حفظ حقوق ملت و اجرای قانون برشمرد.

ترس و آسایش طلبی احمدشاه ، بلندپروازی و جاه طلبیهای رضاخان را فزونی بخشید. تعجیل شاه در خروج از ایران ، برای سردار سپه معنادار بود . بی اعتمادی شاه قاجار به رئیس دولت خود به حدی رسیده بود که ناچار به سفارت انگلستان توسل جست تا سردار سپه ، امنیت جانی و اجازه مسافرت او به اروپا را تضمین کند.^{۱۹}

بنا بر نوشته ملک الشعراى بهار ، سلطان قاجاری به قدری هول کرده بود که مافوق آن متصور نیست و هنگام خروج از ایران ، آن چنان اتومبیل وی به سرعت حرکت می کرد که جز من [بهار] و سردار سپه ، بقیه همراهان فرسنگها عقب مانده بودند.^{۲۰} به عقیده عبدالله مستوفی ، تا پیش از آخرین مسافرت احمدشاه ، به اروپا ، سردار سپه هدفی جز رسیدن به مقام ریاست وزرا نداشت ؛ اما هنگامی که شاه هراسان و وحشت زده از ایران رفت ، فکر و نقشه تصاحب تاج و تخت به ذهن رضاخان خطور کرد.^{۲۱}

هم زمان با خروج احمد شاه (۱۱ آبان ۱۳۰۲) ، گروه ترکان جوان در عثمانی از طریق مجلس کبیر ، خلافت را برانداخته و نظام جمهوری را با انتخاب مصطفی کمال پاشا به ریاست جمهوری مادام العمر ترکیه ، پی افکنند و به او لقب آتاتورک (پدر ترک) دادند.

قهرمان میرزا عین السلطنه ، شاهزاده قاجاری ، همان هنگام نگرانی خود را از اضمحلال حکومت قاجار این گونه ابراز کرده بود : «عثمانی دولت ترک شد ، کمال پاشا رئیس جمهور... ، سردار سپه هم دور نیست همین مشق را می کند . شاه علاقه مند نیست ، حتی املاک خود را می فروشد ، شاید خودش استعفا دهد با ولیعهد . ناقابل هستند...»^{۲۲}

مسافرت فرارگونه احمدشاه به اروپا ، عطش قدرت طلبی رضاخان را تشدید کرد و او را مصمم به تسخیر تمام مناصب حکومتی و برکناری کامل نوادگان آقا محمدخان از قدرت

ساخت. روش دست‌یابی ترکان جوان به قدرت در ترکیه نیز الگو و سرمشق مناسبی برای وی بود. در فاصله خروج شاه از ایران تا اواخر دی ۱۳۰۲ که شعار جمهوری خواهی آشکارا در ایران بر زبانها و قلمها جاری گشت، لاجرم سردار سپه به اندازه کافی در این موضوع اندیشید، گفت و گو و مشورتهای لازم را انجام داد و راهکارهای مقتضی را بررسی و ارزیابی کرد.

اصلی‌ترین مانع و مشکل، قانون اساسی مشروطه بود که در چند اصل آن به سلطنت مظفرالدین شاه قاجار و اولاد او تصریح گردیده بود؛ چنانچه نظام سیاسی ایران از مشروطه پادشاهی به جمهوری تغییر می‌یافت؛ ناگزیر این چند اصل موضوعیت خود را از دست می‌داد و پشتوانه حقوقی و قانونی خاندان قاجار از میان می‌رفت. سردار سپه تردیدی نداشت که در آن شرایط، کسی جز او، بخت رئیس‌جمهور شدن ندارد. او و ملازمانش تصور می‌کردند که تمام نیروهای آزادیخواه و مشروطه‌طلب، زیر پرچم جمهوری گرد می‌آیند تا کار سریع و آسان به سرانجام رسد. امید آنان به مجلس شورای ملی بود که تا پیش از فرارسیدن سال جدید خورشیدی، نظام سلطنت را ملغی و جمهوری را برقرار سازد.

چهارمین دوره مجلس شورای ملی در خرداد ۱۳۰۲ به پایان رسیده بود. انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای ملی که توسط دولت مشیرالدوله آغاز شد، تا مدتها طول کشید و هنگامی که سردار سپه رئیس‌الوزراء گردید، هنوز انتخابات برخی شهرها انجام نشده بود؛ بنابراین ضرورت داشت به سرعت انتخابات پایان یابد و مجلس افتتاح گردد. در ۱۲ بهمن ۱۳۰۲، رئیس‌الوزراء دستورالعملهای تهدیدآمیزی به تمام حکام ایالات و ولایات صادر کرد که در اسرع وقت انتخابات را انجام دهند و نمایندگان را روانه تهران کنند تا در اول رجب ۱۳۴۲ (۲۷ دی ۱۳۰۲) مجلس شورای ملی افتتاح گردد.^{۲۳} با این حال، تا پیش از ۲۵ رجب، ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ با نطق محمدحسن میرزا، ولیعهد پنجمین دوره مجلس شورای ملی گشایش نیافت.

دخالت نظامیان هوادار سردار سپه در انتخابات، بویژه در شهرستانها، تأثیر بسزایی در نتیجه انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای ملی داشت؛ اما این مداخلات در شهرهای بزرگ، از جمله تهران، کمتر و محدودتر بود و عمده مخالفان دولت از این حوزه‌ها به مجلس راه یافته بودند.

در ۲۶ دی ۱۳۰۲ روزنامه شفق سرخ به مدیریت علی دشتی،^{۲۴} با نقل خبری از روزنامه وقت، چاپ استانبول، غوغای جمهوری را شروع کرد. نشریه وقت با اشاره به موقعیت سیاسی سردار سپه در ایران، خروج شاه و اقدام رئیس دولت در ممانعت از رفتن ولیعهد به آذربایجان، نوشته بود؛ ایران به طرف جمهوریت و رئیس‌جمهور شدن رضاخان پیش

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

می‌رود.^{۲۵} روزنامه شفق سرخ در همان شماره، در توضیحی بر خبر نشریه وقت، ضمن تصدیق محسنات نظام جمهوری، ادعا کرد مقتضیات عصر حاضر، ایران را به طرف جمهوری پیش می‌برد و رئیس دولت هیچ نقش و دخالتی در این ماجرا ندارد؛ نویسنده شفق سرخ همان‌جا از فرصت استفاده کرده احمدشاه و سلسله قاجار را به باد انتقاد گرفت و از سردار سپه تعریف و تمجید نمود.^{۲۶} روزنامه شفق سرخ یک هفته بعد، به بهانه خبر نشریه وقت به سراغ رضاخان رفت تا دیدگاه او را درباره تغییر نظام سیاسی ایران جويا گردد. سردار سپه نیز با زیرکی پاسخ می‌دهد: «رژیم حکومت هیچ مملکتی در ارتقا و انحطاط آن دخیل نیست. ترقی و تنزل هر مملکتی مربوط به یک رشته از قضایایی است که ابدأ مسئله طرز حکومت در آن مدخلیتی ندارد»؛ او در پایان مصاحبه منکر هرگونه کوشش خود برای تغییر نظام سیاسی ایران و تصدی مقام ریاست جمهوری شد و گفت: «تنها یک هدف دارد و آن نجات ایران از ذلت و نکبت کنونی است.»^{۲۷} اولین واکنش علنی و رسمی رضاخان به قضیه جمهوری، بسیار دقیق و حساب شده است. وی از ابتدای طرح موضوع جمهوریت، سعی داشت خود را نسبت به آن بی طرف و حتی بی اعتنا نشان دهد و دخالت دولت و نظامیان در این ماجرا مکتوم بماند؛ زیرا در آن صورت جمهوری خواهی، حرکتی مردمی و خودجوش تلقی می‌شد و در جلب پشتیبانی داخلی و خارجی، موفقیت بیشتری تحصیل می‌کرد. از سوی دیگر سردار سپه نمی‌توانست به موفقیت طرح جمهوری، صد در صد اطمینان داشته باشد و احتمال در صدی شکست، حکم می‌کرد تا سیاستی محتاطانه در پیش گیرد.

در آغاز، اساس تکاپوهای مدافعان تغییر نظام سیاسی بر محور فعالیتهای رسانه‌ای قرار داشت. چهار نشریه شفق سرخ، ستاره ایران به مدیریت حسین خان صبا،^{۲۸} میهن به مدیریت ابوطالب شیروانی^{۲۹} و کوشش به مدیریت شکرالله صفوی^{۳۰}، بیش از سایر روزنامه‌ها، سنگ جمهوری خواهی را به سینه می‌زدند. نشریه‌های ایران، ناهید، بهارستان، نجات ایران و نامه تجدد در مرتبه بعدی قرار داشتند. برخی از این روزنامه‌ها در اسفند ۱۳۰۲ فعال یا تأسیس شدند و از میان آنها ناهید به عنوان یکی از اولین نشریه‌های کاریکاتوری ایران، از طریق کاریکاتور در خدمت جمهوری قرار گرفت.

اساس تبلیغات روزنامه‌های یادشده به جای تبیین ویژگیهای نظام جمهوری و تشریح محاسن آن و تفاوتش با دیگر نظامهای سیاسی، از یک سو بر قاجارستیزی و بدگویی از احمدشاه و دیگر سلاطین قاجار، با لحنی گزنده و از سوی دیگر بر تعریف، تمجید و ستایش از سردار سپه و اقدامات او قرار داشت. در طول دو ماه بهمن و اسفند ۱۳۰۲ که روزنامه‌های هوادار جمهوری، سخت مشغول تبلیغ بودند، ذیل عنوانهای جمهوریت و جمهوری خواهی مقاله،

سرمقاله، گزارش، نامه و تلگرافهای زیادی در ذم سلسله قاجار و ستایش رضاخان نشر یافت؛ اما کمتر نوشته‌ای در توضیح مبانی نظام جمهوری به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که خواننده تصور می‌کند، صاحبان این نشریه‌ها همه هدفی دارند، جز تأسیس نظام جمهوری. روزنامه ستاره ایران ماهیت واقعی غوغای جمهوری را این گونه برملا ساخت: «مردم ایران امروز ریاست جمهوری سردار سپه را بشاشانه استقبال می‌کنند، نه برای اینکه حقیقتاً جمهوری را بخواهند، خیر، برای اینکه می‌خواهند ایران را از چنگال شهوت پرستی اشخاص نالایق خارج ساخته و سردار سپه را در کارهای خود، مختار مطلق و بلا مانع نمایند.»^{۳۱}

مطالب روزنامه‌های جمهوری خواه، مملو از فساد اخلاق، بی‌کفایتی سیاسی و ظلم و ستم شاهان قاجار بود؛ آنان متهم به عیاشی و زن‌بارگی، قتل قهرمانانی نظیر لطفعلی خان زند، قائم مقام فراهانی، امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و شیخ محمد خیابانی و خیانت به سبب واگذاری بخشهایی از خاک ایران به بیگانگان، می‌شدند. احمدشاه، بیش از دیگر سلاطین قاجاری در معرض حملات قرار داشت و به عنوان پادشاهی خوشگذران، محتکر و مال‌اندوز، بی‌کفایت و ناتوان معرفی می‌شد. روزنامه‌های طرفدار جمهوری، عکسهای از احمدشاه با کلاه شاپو و دوش به دوش زنان اروپایی در صفحه اول خود، همراه با توضیحات گزنده درج می‌کردند. در مقابل، سردار سپه را به عرش اعلا برده او را سزاوار تاج کیانی و هم طراز شاه اسماعیل صفوی و نادرشاه افشار برمی‌شمردند.

در اسفند ۱۳۰۲ فعالیت تبلیغی هواداران جمهوری شدت گرفت. در تهران و دیگر شهرها میتینگهای زیادی در طرفداری از جمهوریت برگزار شد. در این تجمعات، همان گفته و خواننده می‌شد که در روزنامه و نشریات نوشته می‌شد. این گردهم‌آییها پس از آن صورت گرفت که سبلی از تلگرافهای دستوری، از طرف رضاخان فرمانده کل قوا به فرماندهان لشکر و از سوی آنان به فرماندهان تحت امرشان صادر گردید. سرلشکر خدایارخان خداباری، که به سبب سرسپردگی به سردار سپه، وزیر پست و تلگراف شده بود، تمام امکانات آن وزارت خانه را برای پیشرفت جمهوریت بسیج کرد. توصیف یکی از کارمندان تلگراف خانه تهران از فعالیت آن اداره در نیمه اول اسفند ۱۳۰۲ چنین است: «از بس که از طرف رئیس الوزراء تلگراف رمز به امرای لشکر شرق، غرب، جنوب، شمال نمودیم و از طرف خدایارخان به رؤسای تلگراف خانه گنج شدیم و مشاعرمان زایل.»^{۳۲}

در آن تلگرافها، سردار سپه به فرماندهان نظامی دستور می‌دهد، اول: مدیران نشریات را سریع و محرمانه ملاقات کرده از آنان بخواهید شروع به ذکر سعایت و معایب سلسله قاجار و محاسن و مزایای جمهوری نمایید و مردم را به خلع احمدشاه تحریک و تشجیع نمایند؛ یعنی

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی



همان کاری که روزنامه‌های هوادار جمهوری در تهران انجام می‌دادند؛ دوم: خیلی محرمانه و جداگانه رهبران و متنفذان طبقات علما، تجار، اصناف و احزاب سیاسی ملاقات شوند و از آنها خواسته شود به تأسی از جراید، مبادرت به دادن میتینگ در مخالفت با سلطنت خاندان قاجار و موافقت با جمهوری کنند؛ سوم: اقشار یاد شده ترغیب به ارسال مکاتیب و تلگرافهای زیاد با هزاران مهر و امضاء به مجلس شورای ملی کردند و محتوای نامه و تلگرافها باید از این قرار باشد: به نمایندگان اختیار تام برای تغییر رژیم داده شود؛ نمایندگان تهدید شوند در صورت استنکاف از برقراری جمهوری، دچار عقوبت ملی خواهند شد و تهدیدهای دیگر نظیر بستن بازار و تعطیلی عمومی؛ ضرورت دارد تلگرافهای ارسالی روزهای ۲۱ و ۲۲ اسفند مخابره گردند. چهارم: اقدامات نظامیان برای پیشبرد طرح جمهوریت باید کاملاً مخفیانه، محرمانه و غیررسمی باشد و مداخله آنان اصلاً مشهود نباشد و هیچ توسلی به مبادی خارجی صورت نگیرد (ر. ک: سندهای شماره ۱ و ۲).

محتوای تلگرافهای دستوری نیازی به توضیح ندارد؛ اما از آنجا که قرار بود مجلس شورای ملی در روز ۲۳ اسفند ۱۳۰۲ تشکیل جلسه دهد و آغاز به کار کند، برای تحت تأثیر قرار دادن نمایندگان، دستور داده شده بود تا تلگرافهای سفارشی روزهای ۲۱ و ۲۲ اسفند به مجلس شورای ملی مخابره گردند.

مطابق برنامه از پیش طراحی شده، در ده روز آخر اسفند ۱۳۰۲، سیل تلگرافهای قاجارستیزی و جمهوری خواهی از گوشه و کنار ایران، حتی دهات و ایلات دور از مرکز به مجلس شورای ملی سرازیر گردید و به منظور اثربخشی بیشتر، کپی تلگرافها به جاهای زیادی از جمله روزنامه‌ها فرستاده می‌شد.

تأمل در سه فقره از این تلگرافها، یکی از سوی ایلات آیرملو و آواجق (سند شماره ۳)، دومی از طرف اعیان ارومی (سند شماره ۴) و سومی از سوی هیئت مدیره جمهوری طلبان تبریز (سند شماره ۵) و تلگرافهای بسیاری از این دست که در نشریه‌های هوادار جمهوری درج شده است، این نکته را آشکار می‌سازد که محتوای آنها دقیقاً با آنچه که رضاخان از نظامیان خواسته بود، مطابقت کامل دارد. جالب آنکه روزنامه ستاره ایران، تلگرافهای اصله را هر روز ذیل عنوان: «تلگرافهای خصوصی: انزجار از سلطنت قاجاریه، ابرام در برقراری جمهوری، تهدید و کلا، انقلاب و شورش، ضجه و فریاد، اجتماع و اعتصاب، تحصن به تلگراف خانه‌ها^{۳۳}»، به چاپ می‌رساند، که همان درخواستهای سردار سپه بود. علاوه بر میتینگهایی که بیشتر گردانندگان آن ادارات دولتی بودند، شعرا و هنرمندان نیز به خدمت گرفته شدند تا حس بدبینی و نفرت از قاجاریان تقویت گردد. تئاتر فتحعلی شاه در سالن گراند هتل تهران به نمایش درآمد تا آبرو و

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

حیثیتی برای شاهان قاجار باقی نماند؛^{۳۴} در مدرسه نظام نیز تثاتری به نمایش گذارده شد که موضوع آن واقعه دشت مغان و ماجرای خلع طهماسب دوم صفوی و به سلطنت برکشیدن نادر افشار بود.^{۳۵} حامیان رضاخان که او را با نادرشاه افشار و شاه عباس اول صفوی مقایسه می کردند، با این نمایش نامه قصد داشتند از طریق تشبیه احمدشاه با طهماسب دوم صفوی و سردار سپه با نادرشاه، برای نیل به مقاصدشان زمینه سازی کنند. عارف قزوینی، شاعر و تصنیف ساز معروف هم به جرگه جمهوری طلبان پیوست و در شبهای ۲۲ و ۲۳ اسفند ۱۳۰۲ کنسرتی همراه با تبلیغات بسیار، با عنوان جمهوری ایران در سالن گراند هتل تهران برگزار کرد و غزلهایی را که در ذم قاجار و ستایش سردار سپه و نظام جمهوری سروده بود در مایه های ماهور و بیات ترک خواند. ابیات ذیل گزیده ای از آن اشعار است:

بمردم این همه بیداد شد زمرکز داد	زدیم تیشه بر این ریشه هر چه بادا باد
کنون که می رسد از دور رایت جمهور	بزیر سایه آن زندگی مبارک باد
تو نیز فاتحه سلطنت بخوان عارف	خدایش با همه بدفطرتی بیامرزاد
باد سردار سپه زنده در ایران عارف	کشور رو به فنا را به بقا خواهد برد
سلطنت گورفت گورو	نام جمهوریت از نو
نیست دوران قجر بباد	این شجر بی بار و بر بود
کار ایران روبره بباد	نام شاهی روسیه بباد ^{۳۶}

برای جلب پشتیبانی ایرانیان خارج از کشور، اشخاصی نظیر مؤدب الدوله نفیسی، فهیم الدوله و زین العابدین رهنما راهی اروپا و عراق شدند. سرتیپ حبیب الله خان شیبانی نیز از طرف وزارت جنگ مأمور پاریس شد تا احمدشاه را ترغیب به استعفا کند.^{۳۷}

احمدشاه در اروپا، از غوغای جمهوری، تکانی خورد و طی تلگرافهایی از رئیس دولت خواستار گزارش اوضاع و سپس جلوگیری از بسط جمهوریت شد. رئیس الوزراء برای اینکه خیال شاه را از بازگشت به ایران راحت سازد در پاسخ نوشت: «کار از نشریات و جراید تجاوز کرده، میتینگهای چندین هزار نفری در تمام ولایات داده می شود و تمام اصناف و طبقات در تلگراف خانه ها متحصن و متحدالکلمه از دولت و مجلس تغییر رژیم را تقاضا می کنند. مجلس هم در مقابل این تقاضاهای عمومی تکانی خورده...»^{۳۸} سردار سپه در تلگراف دیگری به شاه گوشزد کرد نه تمایل دارد و نه امکان پذیر است؛ جنبش جمهوری خواهی مردم ایران را که از حمایت دولتهای شوروی، انگلستان و ترکیه نیز برخوردار است با اقدامات خشن غیرقانونی سرکوب سازد.^{۳۹} نکته قابل تأمل در این تلگرافها اینکه رضاخان برای مرعوب ساختن کامل احمدشاه، چنین وانمود می سازد که دولتهای خارجی بویژه انگلستان و شوروی از تغییر نظام در ایران

پشتیبانی می‌کنند؛ در حالی که هواداران جمهوری در داخل عکس آن را تبلیغ کرده می‌کشیدند تا در ظاهر هیچ توسل و تمسکی به دولتهای خارجی از خود بروز ندهند.

گروهی که سردار سپه را در ماجرای جمهوری یاری می‌داد متشکل از سیاستگرانی نظیر سیدمحمد تدین،^{۴۰} حسن مشارالملک،^{۴۱} سلیمان میرزا اسکندری،^{۴۲} زین العابدین رهنما، امان‌الله خان عزالممالک اردلان، کریم خان رشتی، سرلشکر خدایارخان خدایاری، ناصر ندامانی، فرج‌الله خان دبیراعظم بهرامی، میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه و... بودند. هنگامی که یکی از مردان سیاسی به احتشام‌السلطنه کنایه می‌زند شما از خاندان قاجاری هستید و سزاوار نیست برای نابودی آنها بکشید، پاسخ می‌دهد: «قاجاریه را چنان مأیوس کرده‌اند که غالب رضا به رضا داده‌اند.»^{۴۳}

تا آخرین روزهای اسفند ۱۳۰۲ مخالفت جدی با جمهوریت صورت نگرفته بود. اما مدافعان جمهوری می‌دانستند شخصیت‌های متنفذ و مؤثری چون آیت‌الله سیدحسن مدرس، مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک، رئیس مجلس و مستوفی‌الممالک مخالف جمهوری‌اند و یا حداقل با آن موافقت نخواهند کرد. تلاشهایی برای جلب موافقت و یا دست کم بی‌طرفی آیت‌الله مدرس انجام شد. چندین بار او را به خانه سردار سپه بردند، اما همراه نشد. کوشش خدایارخان خدایاری نیز برای جلب رضایت وی به نتیجه نرسید و آیت‌الله مدرس به او گفت: «من نمی‌توانم راضی شوم، امروز این رئیس قوا با چهار نفر روزنامه‌نویس ساخت مملکت را تغییر رژیم بدهد، فردا یک رئیس فعال دیگری با هشت نفر روزنامه‌نویس بسازد و شما را می‌خواهد تغییر دهد. مملکت بازبچه نیست که هر روز یک رئیس قوا رژیم مملکت را عوض کند.»^{۴۴} این سخنان نشان می‌دهد که مدرس تحت تأثیر هیاهو و تبلیغات کاذب جمهوری خواهان قرار نگرفته و یقین داشت این حرکت از پشتوانه مردمی برخوردار نیست.

طرفداران جمهوریت که اطمینان داشتند در مجلس در اکثریت قرار دارند، مصمم بودند به سرعت اعتبارنامه نمایندگان را تصویب کنند و طرح تغییر رژیم را پیش از آغاز سال جدید به تصویب رسانند؛ تا رضاخان مجبور نباشد، مراسم سلام عید را به عنوان رئیس دولت، در دربار و در حضور ولیعهد انجام دهد. مخالفان جمهوری نیز امیدشان به مجلس شورای ملی و شخص مدرس بود که با نفوذ معنوی و کلام وی، مانع از تحقق نیات هواداران سردار سپه گردند.

مجلس از روز ۲۳ اسفند ۱۳۰۲ بررسی اعتبارنامه‌ها را آغاز کرد. فراکسیون تجدد به ریاست سیدمحمد تدین با ۴۰ نماینده و فراکسیون سوسیالیست با ۱۴ نماینده به رهبری سلیمان میرزا اسکندری موافق جمهوری بودند. حدود ۱۵ تا ۱۶ نماینده به دور شهید مدرس گرد آمدند که بر

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

مخالفت با جمهوری صراحت داشت؛ بقیه که شاخص ترین آنها مشیرالدوله و مؤتمن الملک بودند به ظاهر ابراز بی طرفی می کردند، اما در موضوع جمهوری به اقلیت تحت زعامت مدرس نزدیک شدند.

هر چند جمهوری خواهان عجله داشتند مجلس زود آماده قانونگذاری گردد؛ اما مدرس و یارانش به عکس می کوشیدند تا زمان بررسی اعتبارنامه ها طولانی شود و مجلس تا پیش از پایان سال ۱۳۰۲ آماده قانونگذاری نشود. به همین سبب مدرس و هم فکرائش با اعتبارنامه نمایندگان زیادی، حتی از بی طرفها و افراد خوشنامی چون مؤتمن الملک مخالفت ورزیدند تا وقت مجلس گرفته شود. در جلسه های ۲۳، ۲۵، ۲۷ و ۲۹ اسفند ۱۳۰۲ مجلس، کشمکش سختی میان نمایندگان هوادار و مخالف جمهوری بر سر اعتبارنامه ها بروز کرد. در یکی از این جلسه ها، حسین احیاء السلطنه بهرامی، خشمگین از مخالفت های مؤثر مدرس، سیلی محکمی به گوش وی نواخت که تأثیر بسیار نامطلوبی در داخل و خارج مجلس شورای ملی برجای گذاشت و اوضاع را به زیان طرفداران رضاخان و به سود مدرس تغییر داد.

از این سیلی ولایت پر صدا شد دکاکین بسته و غوغا به پا شد

به قول ظریفی، احیاء السلطنه بهرامی به معنای واقعی سلطنت را احیاء کرد. این اقدام باعث

گردید

در داخل مجلس شورای ملی گروهی از فراکسیون تجدد خارج گردند؛ در بیرون از مجلس شورای ملی نیز احساسات عمومی علیه جمهوری خواهان و به نفع مخالفان جمهوری برانگیخته شد و یاران رئیس الوزراء در موضع ضعف افتادند (سند شماره ۶).

دیگر اقدام سیاسی آیت الله مدرس برای ناکام گذاردن تصویب طرح تغییر رژیم، واداشتن تعدادی از نمایندگان برای مسافرت به قم در واپسین روزهای اسفند ۱۳۰۲ بود، تا مجلس شورای ملی به حدنصاب نرسد و رسمیت نیابد.

فعالیت هواداران تغییر رژیم در روزهای آخر اسفند به اوج رسید. مشار الملک که تازه از اروپا بازگشته بود با کسب اجازه از رئیس دولت، بیش از چهل نفر از رئیس الوزراها و وزرای سابق را در منزل خود گرد آورد تا بیانیه ای را در حمایت از جمهوری صادر و امضا کنند.^{۴۵}

روزنامه های طرفدار دولت نیز از طریق سرمقاله های خود به نمایندگان مجلس تشریح می زدند که با خواست ملت مخالفت نوزند و اصول مندرس سلطنت قاجار را در هم پیچند.^{۴۶}

روزهای پایانی اسفند ۱۳۰۲ تظاهرات و میتینگ های به اصطلاح خودجوش و مردمی، آشکارا صبغه اداری و رسمی به خود گرفت. در ۲۸ اسفند، کارکنان و اعضای وزارت خانه ها با عبور از برابر مجلس شورای ملی به منزل رئیس الوزراء رفتند تا علاقه مندی و شیفتگی خود را

به جمهوری ابراز کنند. سردار سپه در آن ملاقاتها، جانب احتیاط ظاهری را رها نکرد و درباره جمهوری گفت: «بسته به نظر نمایندگان ملت می باشد.»^{۴۷} همان روز احتشام السلطنه، معین الدوله و مخبرالسلطنه به دستور سردار سپه روانه کاخ گلستان شدند تا به ولیعهد تکلیف کنند، از مقام خود استعفا کرده از کاخ خارج گردد، اما ولیعهد جسارت به خرج داد و نپذیرفت. اولین و جدی ترین حرکت اعتراضی در برابر جمهوری، روز ۲۹ اسفند ۱۳۰۲ در تهران به رهبری روحانیان شکل گرفت. سیلی خوردن مدرس و اقدام دولت ترکیه در انحلال وزارت شریعت و اوقاف و مدارس دینی، تحرک خاصی به محافل دینی بخشید و به انفعال آنان در ماجرای جمهوری پایان داد. روز ۲۹ اسفند، هنگامی که هواداران جمهوری با پشتیبانی نیروهای شهربانی قصد داشتند بازار را به نشانه حمایت از جمهوری ببندند، با مخالفت بازاریان و کسبه رو به رو شدند؛ در پی آن محمد درگاهی، رئیس شهربانی، دستور بستن در مساجد را صادر کرد. شیخ محمد خالصی زاده^{۴۸} که به همراه شیخ حسین لنگرانی و شیخ عبدالحسین خرازی به بازار آمده بودند تا علیه جمهوری سخن بگویند، چون با درهای بسته مسجد رو به رو گردیدند؛ خالصی زاده در وسط بازار تهران به اقامه نماز جماعت پرداخت و جمعیت زیادی به او اقتدا کردند. او پس از نماز نیز نطق مهیجی در مخالفت با جمهوری و تدین، نایب رئیس مجلس شورای ملی، ایراد کرد و سپس با هدایت جمعیت به سوی مجلس شورای ملی، تظاهرات بزرگی را در مخالفت با جمهوری شکل داد.^{۴۹}

در جلسه سی ام اسفند مجلس شورای ملی، نمایندگان هوادار جمهوری به سرکردگی تدین کوشیدند طرح سه ماده‌ای تغییر رژیم را به رأی گذارند؛ اما با کوشش مدرس و هم فکرائش توفیقی نیافتند.

روزهای اول و دوم فروردین ۱۳۰۳، افراد زیادی اعم از متشخص و عادی برای دیدار نوروژی به منزل آیت الله مدرس رفتند و او از این فرصت برای هماهنگ ساختن مخالفان جمهوری و برپایی تظاهراتی دیگر نهایت استفاده را کرد.

بعد از ظهر دوم فروردین ۱۳۰۳ هنگامی که مجلس شورای ملی تشکیل جلسه علنی داده بود، جمعیت زیادی گروه گروه به رهبری امامان جماعت محله‌های مختلف تهران به سمت مجلس سرازیر شدند. شعار اصلی تظاهرکنندگان «ما دین نبی خواهیم، جمهوری نمی خواهیم» بود. نمایندگان جمهوری طلب از سیل جمعیت به وحشت افتاده، ناگزیر از سردار سپه استمداد کردند. رضاخان به مجلس آمد و به نظامیان دستور حمله به مردم و پراکنده ساختن تظاهرکنندگان را صادر کرد. درگیری شدیدی روی داد؛ مؤتمن الملک، رئیس مجلس از اقدام سردار سپه و نظامیان در ضرب و شتم مردم، سخت عصبانی شد و رئیس الوزراء را

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

تهدید به برکناری ساخت. سرانجام نیروهای نظامی مردم را متفرق و عده‌ای را زخمی و دستگیر کردند؛ با وساطت تعدادی از نمایندگان، میان رئیس دولت و مجلس آشتی برقرار گردید.^{۵۰}

اگرچه تظاهرات دوم فروردین، ضربه کاری به جمهوری خواهی وارد آورد، اما موضوع خاتمه نیافت. از عکس العمل روزنامه‌های هوادار جمهوری نسبت به ماجرای دوم فروردین چنین بر می‌آید که سردمداران جمهوریت به هیچ وجه انتظار چنین واکنش اعتراض‌آمیزی از طرف مردم نداشتند و کاملاً غافلگیر شدند. سرمقاله نویسنده روزنامه ستاره ایران، با متهم ساختن تظاهرکنندگان به جهالت و سادگی، رهبران مخالف جمهوری را بازیگرانی ماهر برشمرد.^{۵۱} پس از آن تغییری نیز در روند تبلیغات طرفداران جمهوری صورت گرفت؛ در فاصله دوم فروردین تا زمانی که رضاخان رسماً جمهوری خواهی را موقوف کرد، مقاله‌های زیادی با موضوع اسلام و جمهوریت به امضای مستعار در روزنامه‌های جمهوری طلب نشر یافت. در همین فاصله تلگرافهای زیادی از طرف سردار سپه به فرماندهان لشکر و از آنها به فرماندهان تحت امرشان صادر گردید. در این تلگرافها به نظامیان دستور داده شده بود که با علما و مردم وارد مذاکره شوند و به آنان اطمینان دهند که جمهوری یک طرز حکومت ملی است و نه تنها هیچ منافات و مغایرتی با مذهب و شریعت اسلامی ندارد، بلکه باعث تقویت عالم اسلامی می‌گردد (سند شماره ۷، ۸، ۹ و ۱۰)؛ در همین زمان نیز برای ایجاد فشار بر مجلس، دستور تعطیلی ادارات دولتی صادر می‌گردد (سند شماره ۱۱).

سردار سپه ۶ فروردین ۱۳۰۳ به بهانه دیدار با علمای تبعیدی به قم رفت و طی مذاکره با آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، میرزا حسین نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی، انصراف خود را از تغییر نظام تعهد کرد و قول داد به غائله جمهوری پایان دهد. او پس از بازگشت به تهران در ۱۲ فروردین با صدور بیانیه‌ای این گونه وانمود کرد که هیچ نظری نسبت به جمهوری نداشته و فقط به دلیل اصل عدم مخالفت دولت و اولیای امور با افکار و احساسات عمومی، دخالت و جلوگیری نکرده است. او در این بیانیه مدعی گشت همراه با نظامیان تحت فرمانش، از روز نخست، حفظ و حراست عظمت اسلام و استقلال ایران را بزرگ‌ترین وظایف خود می‌دانسته و احترام مقام روحانیت را کاملاً مرعی و محفوظ داشته‌اند. در پایان بیانیه اذعان شده بود به درخواست علما، عنوان جمهوری موقوف می‌گردد و به تمام وطن خواهان و عاشقان وطن توصیه شده بود از تقاضای جمهوری صرف نظر کنند.^{۵۲}

دو روز بعد نیز آیات عظام اصفهانی، نائینی و حائری یزدی اعلامیه مشترکی صادر کردند که در آن با اشاره به موافقت سردار سپه با الغای شعار جمهوری، از او تشکر شده بود (سند شماره

پس از صدور بیانیه ۱۲ فروردین، سومین مرحله از سیر تلگرافهای دستوری و سفارشی شروع گردید. این بار سردار سپه به فرماندهان لشکر و آنها به زیردستانشان دستور دادند، اهالی را وادار کنید عملیات گذشته را ادامه دهند، یعنی ارسال تلگرافها با هزاران مهر و امضا، تحصن در تلگراف خانه ها، تهدید به بستن بازار و تعطیلی عمومی؛ با این تفاوت که تأکید شده بود تا مندرجات تلگرافهای ارسالی به مرکز، جمله هایی با مضمون زیر باشد: ما به درخواست رئیس دولت از خواسته جمهوری می گذریم، اما از تقاضای برکناری قاجاریه نمی توانیم خودداری بکنیم (سند شماره ۱۳).

تلگرافهای سفارشی نیز با همان مضامین و مفاهیم ارسال می شد (سند شماره ۱۴)؛ پاره ای از اسناد حکایت از بی رغبتی و حتی مخالفت مردم برای شرکت در طرح تغییر رژیم است (سند شماره ۱۵) و برخی دیگر حاکی از آن است که تلگرافهای سفارشی و تحمیلی بار سنگین مالی بر دوش مردم می نهاده است (سند شماره ۱۶). در مواردی نیز نظامیان یا افراد خاصی به جای مردم اقدام به ارسال تلگراف می کرده اند.

علاوه بر تهران، در برخی از شهرستانها نیز مخالفتهایی جدی با جمهوریت و طرح تغییر رژیم صورت گرفت. در اردبیل میرزا علی اکبر مجتهد اردبیلی،^{۵۳} سخت در مقابل جمهوریت ایستادگی کرد تا آنجا که سردار فاتح، حاکم شهر نیز بدو تاسی کرد و مخالفت ورزید (سند شماره ۱۷).

مخالفت و برنامه های علما در برابر شعار جمهوری خواهی تا زمان منع رسمی جمهوری خواهی توسط سردار سپه و حتی چند روز پس از آن، ادامه یافت و روحانیان مخالف جمهوری بویژه خالصی زاده از طریق اعلامیه، نطق و تشکیل گردهم آییهای مختلف، مبارزه را ادامه دادند^{۵۴} و حتی از استعفا یا برکناری سردار سپه استقبال کردند.

انگیزه و اهداف مخالفان جمهوری

هر چند که مخالفان جمهوری را طیف گسترده ای از نیروهای سیاسی و مذهبی دربر می گرفت؛ اما مخالفت مؤثر، جدی و فعال در برابر جمهوری، عمدتاً توسط محافل مذهبی صورت می گرفت و هدایت می شد. طیف سیاسی مخالف جمهوری، شامل وابستگان و متعلقان خاندان قاجار و آن دسته از سیاستمدارانی می شد که شناخت کافی از سردار سپه و ماهیت واقعی جمهوری او داشتند. این عده جسارت و جرئت ایستادگی فعال در برابر جمهوری را نداشتند و استثناء آنان میرزاده عشقی بود که سرانجام جان خود را به سبب سرسختی در مقابل

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

جمهوری رضاخانی از کف داد.

مخالفت محافل دینی با جمهوری نیز دو گونه بود. بخشی از حوزویان که در رأس آنان آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، میرزا حسین نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی بودند، اگر چه نسبت به جمهوری مخالفت ورزیده و می‌کوشیدند تا شعار و تبلیغات جمهوری خواهی موقوف گردد، اما دست کم تا آن زمان، نسبت به رضاخان نظر مساعدی داشتند و راضی به تداوم ریاست الوزرایی او بودند. ولی گروه دیگری از علماء نظیر آیت الله مدرس، نگاه عمیق‌تری به مسائل ایران داشتند و نه فقط با جمهوری که حتی با سردار سپه نیز دشمنی می‌ورزیدند. این گروه قدرت یافتن سردار سپه و ماجرای جمهوری خواهی او را بخشی از فرایند توطئه استعماری تلقی می‌کردند و با هر آنچه که به تقویت و تثبیت موقعیت رضاخان می‌انجامید، ضدیت می‌کردند. مخالفت آیت الله مدرس با برنامه‌های رضاخان برای قبضه قدرت، ناشی از درک پیامدهای این قضیه بود. از نظر و دیدگاه وی، تغییر حاکمیت ایران از قاجار به پهلوی چه از طریق جمهوری یا غیره، تحولی ساده و در حد تغییر حاکمان نبود؛ بلکه آن را دگرگونی بنیادی در عرصه اجتماعی و فرهنگی تصور می‌کرد. وی دغدغه‌های خود را از انتقال قدرت از احمدشاه به رضاخان این گونه بیان می‌کند: «... در رژیم نوی که نقشه آن را برای ایران بینوا طرح کرده‌اند، نوعی از تجدد به ما داده می‌شود که تمدن مغربی را با رسواترین قیافه، تقدیم نسلهای آینده خواهد نمود. قریباً چوپانهای قریه‌های قراعینی و کنگاور با فکل سفید و کراوات خودنمایی می‌کنند، اما در زیباترین شهرهای ایران هرگز آب لوله‌کشی و آب تمیز برای نوشیدن مردم پیدا نخواهد شد. ممکن است شماره کارخانه‌های نوشابه‌سازی روزافزون گردد، اما کوره آهن‌گدازی و کارخانه کاغذسازی پا نخواهد گرفت. درهای مساجد و تکایا به عنوان منع خرافات و اوهام بسته خواهد شد، اما سیلها از رمانها و افسانه‌های خارجی به وسیله مطبوعات و پرده‌های سینما به این کشور جاری خواهد گشت، به طوری که پایه افکار و عقاید اندیشه‌های نسل جوان ما از دختر و پسر تدریجاً بر بنیاد همان افسانه‌های پوچ قرار خواهد گرفت و مدنیت مغرب و معیشت ملل مترقی را در رقص و آواز و دزدیهای آرسن لوپن و بی‌عفتیها و مفاسد اخلاقی دیگر خواهند شناخت، مثل آنکه آن چیزها لازمه متمدن بودن است.»^{۵۵} ایشان در جای دیگری می‌گویند با جمهوری واقعی مخالف نیست، چون حکومت صدر اسلام نیز جمهوری بوده است، اما جمهوری رضاخانی را تحمیلی و ساخته و پرداخته انگلستان تلقی می‌کند.^{۵۶}

(سند شماره ۱)

وزارت جنگ

«لشکر شمال غربی»

دایره.....

مورخه ۱۳ برج حوت ثیل ۱۳۰۲

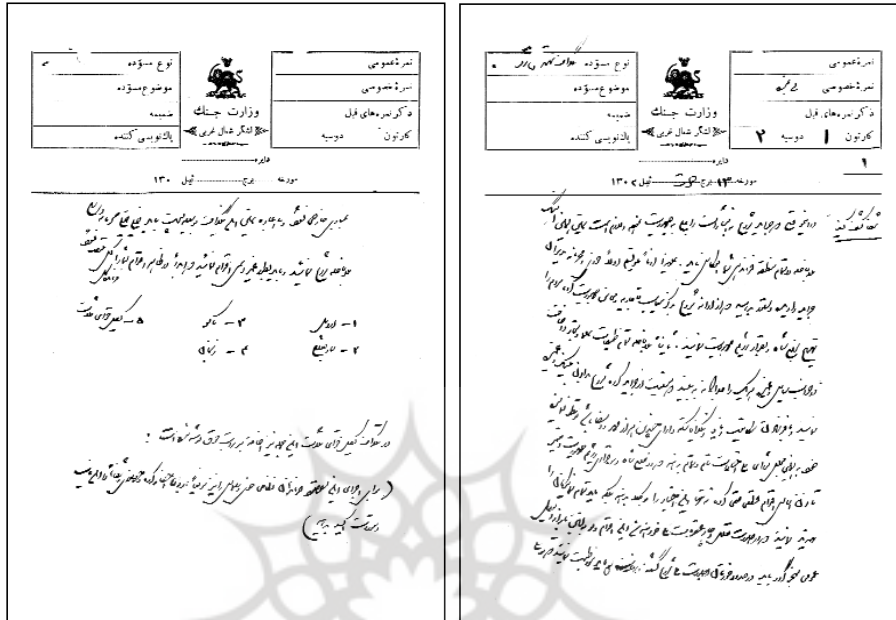
شخصاً گشف کنید.

در این موقع که جراید شروع به انتشارات راجع به جمهوریت نموده و لازم است عین همین اینک بلافاصله در تمام منطقه فرماندهی شما انعکاس نماید، علی‌هذا لزوماً می‌نویسم اولاً فوری و محرمانه مدیران جراید را دیده و دستور بدهید که از اوانه شروع به ذکر معایب قاجاریه و محاسن جمهوریت کرده، مردم را تهییج به خلع شاه و به قرار رژیم جمهوریت نمایند. ثانیاً بلافاصله تمام طبقات علما و تجار و اصناف و احزاب سیاسی و غیره هر یک را جداگانه ببینید که تبعیت از جراید کرده شروع به دادن میتینگ و غیره نمایند و با فرستادن مکاتیب زیاد و تلگرافاتی که دارای چندین هزار مهر و امضا باشد توسط نماینده خود به همین مجلس شورای ملی اختیارات تام و تمام بدهند که در خلع شاه و برقراری رژیم جمهوریت و تغییر قانون اساسی اقدام قطعی حتمی کرده. نه تنها این اختیارات را به وکلا بدهند بلکه باید تمام نمایندگان را تهدید نمایند که در صورت تعلل، دچار عقوبت ملی خواهند شد. این اقدام ولو به بستن بازار و تعطیل عمومی منجر گردد، باید در حدود خودتان به صورت ملی شروع گشته و نهایت هم باید مواظبت نمایید که توسلی به مبادی خارجی نشود و با اعاده عین این تلگراف به وسیله پست، باید خیلی خیلی محرمانه و سریع بلافاصله شروع نمایید و باید به طور غیررسمی اقدام نمایید که ابداً در ظاهر اقدام شما را کسی متصور نشود.

۱- اردبیل
۲- ساوجبلاغ
۳- ماکو
۴- زنجان
۵- کفیل قوای ثلاث

در تلگراف کفیل قوای ثلاث این جمله نیز اضافه بر مراتب فوق نوشته شده است: (برای اجرای این مقصود، فرماندهان نظامی خوی و سلماس را نیز سریعاً به ارومی احضار کرده و حضوری و شفهاً در این باب دستورات اکید بدهید).

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی



(سند شماره ۲)

وزارت جنگ

«لشکر شمال غربی»

دایره
مورخه ۲۰ برج حوت ثیل ۱۳۰۲

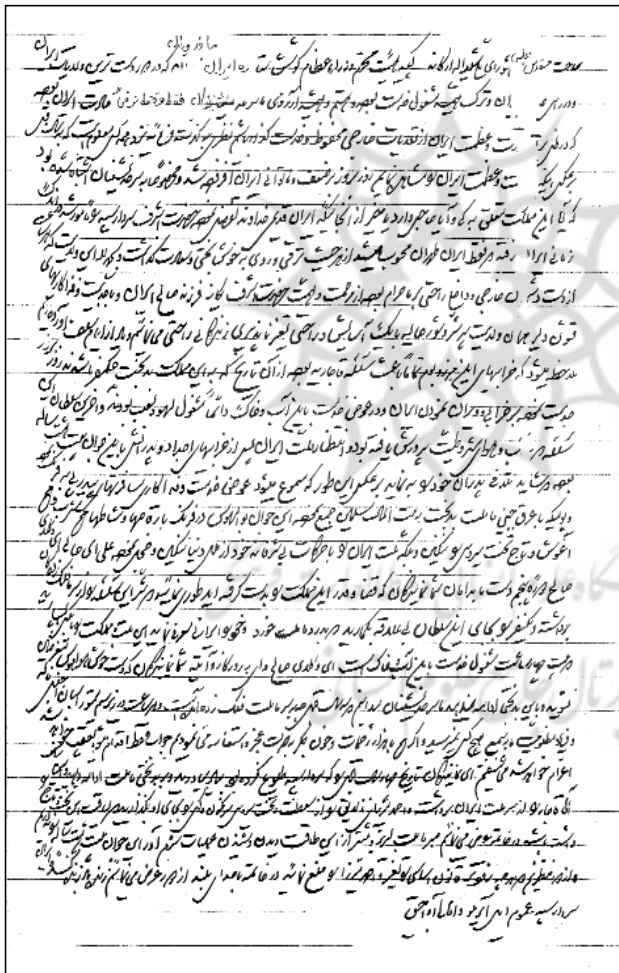
چنانچه سابقاً دستور داده‌ام باید روز ۲۱ تلگرافات مؤکدی دارای چندین هزار مهر، هر صنف اهالی به صنف مربوطه اش مخابره نماید و به نمایندگان خود و مجلس شورای ملی اختیار تام بدهند در انقراض سلطنت قاجاریه و برقرار بودن رژیم جمهور و تغییر قانون اساسی، مخصوصاً اختیار تام راجع به مواد فوق باید در تلگرافات ذکر شده باشد و اکیداً می نویسم حتماً باید روز ۲۱ تلگرافات مخابره شود. تعطیل عمومی و قیام ملی را هم در تلگرافات ذکر کنند و صراحتاً و کلاً را تهدید کنند که مواد مذکور باید سریعاً اجرا شود والا دچار عواقب وخیمی شده

[نامه ایل آیرملو و آواجق به مجلس شورای ملی برای خلع قاجار و برقراری جمهوری] ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه، کپیه هیئت محترم وزراء عظام، کوشش، ستاره ایران، ما فدویان که در دوردست ترین ولایات ایران و در رأس حدود ایران و ترک همیشه مشغول خدمت بوده و هستیم و همیشه آرزوی ما سرحدنشینان، فقط و فقط ترقی و سعادت ایران بوده که در ظل [ناخوانا] و عظمت ایران از تعدیات خارجی محفوظ و خدمت گزار باشیم. نظری به گذشته فرمایید نزد همه کس معلوم است که سه سال قبل برعکس اینکه قدرت و عظمت ایران را مشاهده نماییم روز به روز بر ضعف و ناتوانی ایران افزوده شد و مخصوصاً به سرحدنشینان اشتباه شده بود که آیا این مملکت متعلق به کی و آیا صاحبی دارد یا خیر، از آنجایی که ایران قدیمی خداوند تفضل نموده حضرت اشرف سردار سپه را مأمور شد در اندک زمانی ایران رفته که ایران فقط طهران محسوب می شد، از هر حیث ترقی و روی به خوش بختی و سعادت گذاشت و بحمدالله این ولایت که هر ساعت از دست دشمنان خارجی و داخلی راحتی بر ما حرام بوده از مرحمت و همت حضرت اشرف، یگانه فرزند صالح ایران و با جدیت و فداکاریهای قشون دلیر همان ولایت پرشر و شور، حالیه با یک آسایش و راحتی تغییرناپذیری زندگانی راحتی می نماییم و یاد از ایام سلف آورده ایم، ملاحظه می شود که خرابیهای این مرز و بوم تماماً باعث [آن] سلسله قاجاریه بوده، از آن تاریخ که به این مملکت بدبخت حکمفرما شدند روز به روز جدیت نموده بر خرابی و ویران نمودن ایران و در عوض خدمت به این آب و خاک دائماً مشغول لهو و لعب بودند و آخرین سلطان این سلسله که با آب و هوای مشروطیت پرورش یافته بود و انتظار ملت ایران پس از خرابیهای اجداد و پدرانش به این جوان بیست و هشت ساله بوده که شاید تلافی پدران خود را به نماید، برعکس، این طور که مسموع می شود عوض خدمت و فداکاری، مسافرتهای پی در پی به فرنگ نموده و پولی که با عرق جبین ما ملت بدبخت به بیت المال مسلمین جمع نمود، این جوان بوالهوس در فرنگ با رقصها و مشاطها [رقاصه ها و مشاطه ها] هم مشرب و هم آغوش [شده]، و تاج تخت سیروس را ننگین و بلکه ملت ایران را با حرکات بی شرفانه خود از ملل دنیا ننگین و خجل نموده. علی ای حال ای وکلای صالح دوره پنجم، دست ما به دامان شما نمایندگان که قضا و قدر این مملکت را به دست گرفته اید، طوری نمایید که شر این سلسله را از سر ما فلک زدگان برداشته و یک نفر را به جای این سلطان بی علاقه بگمارید که به درد ما ملت خورد و خود را ایرانی معرفی نماید. این ملت و مملکت را باید به کسی بسپارید که بیست و چهار ساعت مشغول خدمت به این آب و

مختصره مطالعات تاریخی

خاک است. ای وکلای صالح وای به روزگار و آتیه شما نمایندگان که دستخوش هوا هوس مغرضین نشوید و به این بدبختی ادامه ندهید، ما سرحدنشینان می دانیم که سه سال قبل چه بر سر ما ملت فلک زده آمده است و هر ساعت در زیر سم ستوران اسپان اجنبی ناله و فریاد مظلومیت ما به سمع هیچ کس نمی رسید و اگر هم با هزار زحمات و خون جگر به دولت عجز و استغاسه [استغاثه] می نمودیم، جواب فقط «اقدام می شود»، «تعقیب خواهد شد» «اعزام خواهد شد» می شنفتیم. ای نمایندگان تاریخ چهار سال قبل را که سردار سپه طلوع نکرده بود به یاد بیاورید و بر بدبختی ما ملت ادامه ندهید و این ننگ آل قاجار را از سر ملت ایران برداشته و

احمد میرزای نالایق را از سلطنت و تخت سیروس سرنگون و کسی را به جای او بگذارید که لیاقت این تخت و تاج را داشته باشد. در خاتمه عرض می نمایم صبر ما ملت لبریز و بیشتر از این طاقت دیدن و شنیدن عملیات شرم آور این جوان بیست و هشت ساله را نداریم و از دور منتظریم که هر چه زودتر قانون اساسی را تغییر و احمد میرزا را خلع نمایید. در خاتمه با صدای بلند از دور عرض می نمایم زنده باد زنده کننده ایران سردار سپه.

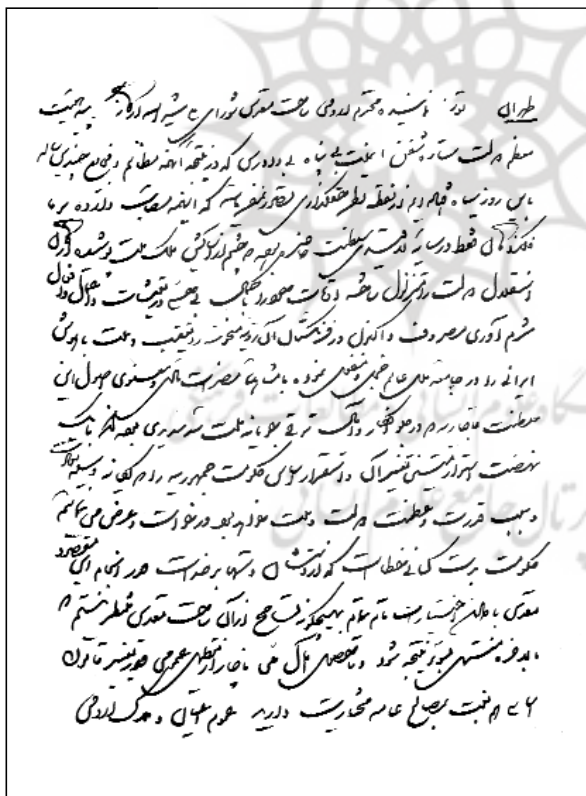


عموم ایل آیرملو و اهالی آواجق

(سند شماره ۴)

طهران توسط نماینده محترم ارومی ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه هیئت معظم دولت ستاره شفق ۵۷. این ملت بی پناه، بی دادرس که در نتیجه آن همه مظلوم و فجایع چندین ساله به این روز سیاه افتاده ایم از نقطه نظر حق گذاری تصور نمی فرمایید که این همه مصائب وارده بر ما فلکزدگان فقط در سایه لاقیدی سلطنت حاضره بوده که چشم از آسایش ملک ملت پوشیده، ارکان استقلال دولت را متزلزل ساخته، اوقات خود را با کمال بی حسی در تعیشت و اعمال و افعال شرم آوری مصروف و اکنون در فرنگستان، آن رویه منحوسه را تعقیب و ملت باهوش ایرانی را در جامعه ملل عالم خجل و منفعل نموده. با مشاهده مضرات مادی و معنوی اصول این سلطنت قاجاریه که در جلو افکار و آمال ترقی جویانه ملت، سد سدیدي بوده اند، با یک نهضت استوار متینی، تغییر آن و استقرار اساس حکومت جمهوری را که یگانه

وسيله سعادت و سبب قدرت و عظمت دولت و ملت خواهد بود، درخواست و عرض می نمایم. حکومت به دست کسانی خطا است که از دستشان دستها بر خداست. در انجام این مقصود مقدس با دادن اختیارات تام تمام، به هیچ گونه تسامح از آن ساحت مقدس منتظر نیستیم که بالاخره منتهی به سوء نتیجه شود و تا حصول آمال ملی ناچار از تعطیل عمومی، و در تغییر قانون اساسی هم نسبت به مصالح عامه مختاریت دارید. عموم اعیان و ملاک ارومی.

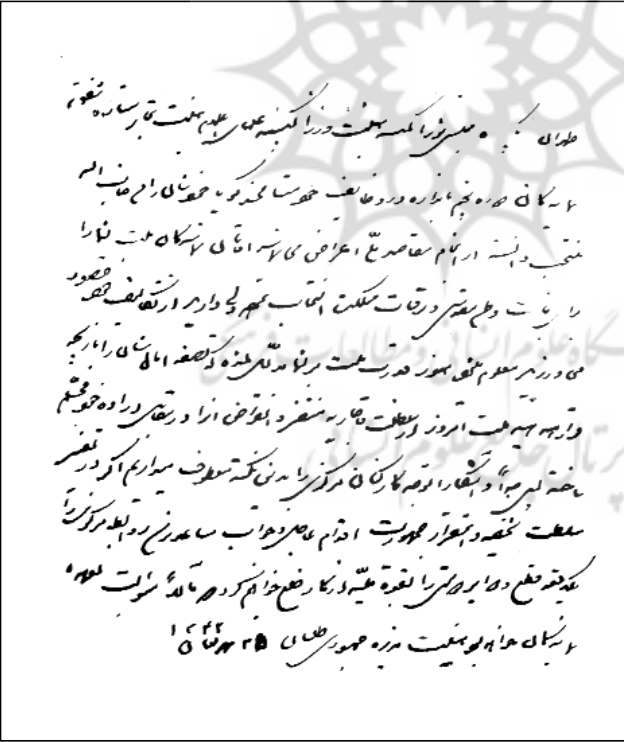


[تلگراف هیئت مدیره جمهوری طلبان تبریز به مجلس شورای ملی برای خلع قاجار و برقراری جمهوری]

طهران کپیه مجلس شورا، کپیه هیئت وزرا، کپیه علمای اعلام، هیئت تجار، ستاره شفق. نمایندگان دوره پنجم به اندازه در وظایف خود متسامح اند، گویا خودشان را من جانب الله منتخب دانسته از انجام مقاصد ملی اعراض می نمایند. آقایان نمایندگان، ملت شما را برای نجات وطن مقدس و ترقیات مملکتی انتخاب نموده ولی دارید از تکالیف خود قصور می ورزید معلوم می شود هنوز قدرت ملت بر شما مدلل نشده که تصفه امال شان را بازیچه قرار می دهید. ملت امروز از سلطنت قاجاریه متنفر و انقراض آن را در مقابل اراده خود مجسم ساخته. پس جداً و آشکارا توجه کارکنان مرکزی را بدین نکته معطوف می داریم اگر در تغییر سلطنت شخصیه و استقرار جمهوریت اقدام عاجل و جواب مساعد نرسد، روابط مرکزی را یکدفعه قطع و دوایر

دولتی را به قوه ملیه از کار خلع خواهیم کرد و مآلاً مسئولیت به عهده نمایندگان خواهد بود.

هیئت مدیره جمهوری طلبان
۲۵ شهر شعبان ۱۳۴۲



تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

(سند شماره ۶)

سواد عین مندرجات اعلان قونسولگری اردبیل از تاریخ ۳۰ حوت در پنجم حمل / ۱۳۰۳
حرکات جمهوری طلبان در طهران

یوم گذشته در تمام مدت روز و در کلیه نقاط شهر، بیانیه‌های منتشره و شعارهای راجع به جمهوریت داده شده و نیز میتینگهای داده شده از طرف ملیون و لیدران آن فرقه، میتینگهای در حضور ازدحام و جمعیت گذارده شد. آقای خالصی اهالی را به تأسیس و تشکیل جمهوری حقیقی ملت به طریق تأسیس جدید مجلس مؤسسان تبلیغ و رهنمایی فرمود. سپس از طرف جماعت نمایشی در شهر راجع به تأسیس مجلس مؤسسان داده شد. اهالی در جلسات خود قطع نمودند که درخواست تأسیس جمهوری نموده و مجلس مؤسسان افتتاح شود. در جلسه لیلیه گذشته مجلس که مدتی از شب رفته بود فرقه اکثریت پارلمانی موسوم به فرقه تجدد را ضرر فاحش متوجه شد بدین سبب که پیشنهادی راجع به اعلان فوری جمهوری به مجلس حاضره داده بودند که در نتیجه پیشنهاد مزبور رد شد و در اقلیت واقع شدند. معین است که اساس بی ربط مجلس حاضره را نمود. اکثریت و کلاء اظهار بر [ناخوانا] که موافقت با تغییر نظام کنونی به وضع جمهوری فقط به طریق تقاضای عموم قاطبه ملت به انجام خواهد رسید و در نتیجه جلسه دیروز مجلس، فرقه تجدد در امروز منحل شده و بیست نفر از اعضا سابقه فرقه تجدد شروع مذاکره با فرقه ملیون نموده که متصل به فرقه ملیون شوند (تکلیف و پیشنهاد رئیس الوزرا به ولیعهد). بنا به شایعه یوم گذشته را آقای رئیس الوزراء نزد ولیعهد رفته حرکت ایشان را به سمت اروپا صلاح دانستند مشروط بر اینکه ولیعهد ملتزم شوند که بدون تخلف مداخله به امور سیاسیه نمایند (ملیون و مجلس مؤسسان). از شهر گفته می شود که دیروز عصر یکی از مبرزین و لیدر فرقه ملیون یعنی رئیس الوزرای سابق مستوفی الممالک به خدمت رئیس الوزرای لاحق آقای سردار سپه رسیده و لزوم تأسیس جمهوری ملی به طریق مجلس مؤسسان را یادآوری نمود (اهالی تبریز مجلس مؤسسان را نیز طالب اند) دیروز در تبریز در حضور ازدحام زیاد لاتعد و لاتحصی که جلسه عموم و قاطبه ملت حاضر بودند میتینگ عظیمی داده شد و نتیجه بر این گرفته شد که تقاضا و درخواست حکومت جمهوری ملی به توسط تأسیس مجلس مؤسسان شود. نتیجه معجزی شد. در باب مجلس حاضره هم می گویند که اعضاء مجلس کنونی طرف توجه آزادانه ملت نبوده و صلاحیت آن را ندارند که نقشه راجع به مسائل سیاسیه و تغییر وضعیات حاضره در ایران طرح نمایند (کمیسیون جدید مجلس راجع به جمهوری و درخواست مجلس مؤسسان). کمیسیون مخصوصی که عبارت از ۱۲ نفر اعضاء باشد از مجلس منتخب و

مختصره مطالعات تاریخی

مسائل ذیل را در تحت مذاقه گذارده اند (۱) تعلق و علاقه مجلس به تغییر رژیم (طرز دولت) (۲) وضع و فورم مجلس مؤسسان. در این کمیسیون داخل شده بودند نمایندگان فرقه متعهد دولت (فرقه تجدد) که بعدش فرقه مزبور منحل شد. در نتیجه اکثریت (۹) رأی در مقابل سه رأی کمیسیون مزبور رأی بر این داد که (۱) مجلس حاضره صلاحیت در رأی دادن تغییر رژیم نداشته و (۲) تغییر رژیم بایستی به نظریات عموم قاطبه ملت باشد که آن هم به دو قسمت منقسم می شود (۱) آیا ملت آرزو مند است به جمهوری (۲) آیا مجلس حاضره اختیار تغییر رژیم مملکت را دارد و یا اینکه برای این لازم است تأسیس مجلس مؤسسان، لیدر فرقه «تدین» سؤال سوم را اضافه نموده اظهار نمود که به فوریت خلع سلطنت از سلسله قاجاریه شود، پیشنهاد ایشان رد شد، چه در اصل مطالب مافوق راجع به تغییر رژیم مملکت بوده است که کمیسیون برای نقشه

و طرح آن معین شده بود و چه بسا تلگرافات است که از اقطار مملکت راجع به جمهوری وصول می شود که عقاید قاطبه ملت در آن ظاهر می شود.

۱۰۰



تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

(سند شماره ۷)

[تلگراف سردار سپه به فرمانده لشکر شمال غرب مبنی بر خنثی کردن تبلیغات مخالف جمهوری]

وزارت جنگ

لشکر شمال غربی

مورخه لیل ۵ برج حمل ثیل ۱۳۰۳ ساعت ۱۰ فرنگی

فوری است

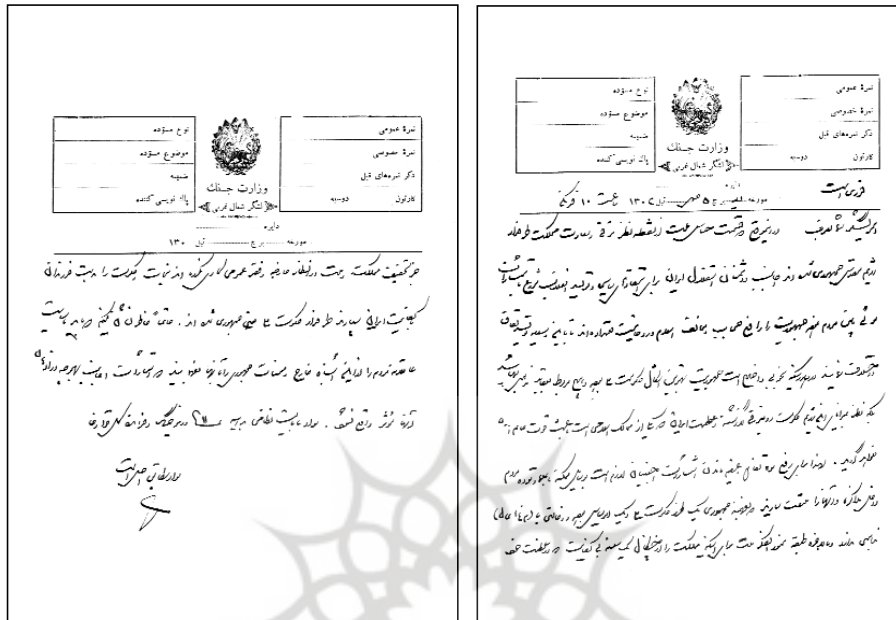
امیرلشکر شمالغرب

در این موقع که قسمت حساس ملت از نقطه نظر ترقی و سعادت مملکت، طرفدار رژیم مقدس جمهوری شده‌اند، اجانب و دشمنان استقلال ایران برای انتقادهای سیاسی و تولید انقلاب شروع به انتشارات سوئی بین مردم نموده، جمهوریت را رافع حجاب و مخالف اسلام و روحانیت قلمداد [می‌کنند] تا به این وسیله تولید نفاق و اختلاف نمایند در صورتی که واضح است جمهوریت بهترین اشکال حکومت ملی بوده و هیچ مربوط به عقاید مذهبی نمی‌باشد، بلکه نظر به مزایای این رژیم، حکومت رو به ترقی گذاشته و عظمت ایران که یکی از ممالک اسلامی است، باعث قوت عالم اسلامی خواهد گردید. لهذا برای رفع سوء تفاهم و عقیم ماندن انتشارات اجنبیان، لازم است به وسایل ممکنه با علماء و توده مردم داخل مذاکره [شوید] و آنها را ملتفت سازید که بفهمند جمهوری یک طرز حکومت ملی و یک امر سیاسی بوده و دخالتی با (مغایل) مذهبی ندارد و بالاخره طبقه منورالفکر ملت برای اینکه مملکت را از چنگال یک سلسله بی‌کفایت که در سلطنت خود جز تخفیف مملکت و ملت در انظار خارجه و فقر عمومی کاری نکرده‌اند نجات، و حکومت را به دست فرزندان باکفایت ایران سپارند، طرفدار حکومت ملی یعنی جمهوری شده‌اند. خاتماً خاطر نشان می‌کنم باید با سیاست عاقلانه مردم را از این اشتباه خارج و محسنات جمهوری را به آنها بفهمانید که انتشارات اجانب به هیچ وجه در اذهان آنها مؤثر واقع نشود. سواد بایالت نظامی بدهید نمره ۱۱.

وزیر جنگ و فرمانده کل قوا رضا

سواد مطابق اصل است.

مصلحات مطالعات تاریخی



(سند شماره ۸)

[گزارش تلگرافی فرمانده لشکر شمال غرب به رضاخان درباره اقداماتی که برای پیشرفت جمهوری انجام داده است]

وزارت جنگ
لشکر شمال غربی


مورخه ۵ برج حمل ثیل ۱۳۰۳

حضوراً کشف و به عرض برسانند. دستخط مبارک تلگرافی رمز نمبر ۱۱ زیارت [شد]، اوامر مبارک را مطیع و کاملاً اجرا خواهم نمود. چند روزی است این انتشارات به واسطه تشبثات اجانب در آذربایجان نیز شروع شده، فدوی در چندی قبل به ناطقین به طور محرمانه صراحتاً متذکر شدم که این انتشارات به وسیله تبلیغات اجانب و اشخاص جاهل در افواه انتشار یافته، لازم است به اهالی بفهمانید. ناطقین هم همه روزه ضمن نطق خود موعظه می نمایند. چنانچه سابقاً به عرض رسانیده ام تصور می کنم این انتشارات از ناحیه روسها منتشر می شود و حس می کنم با جریان فعلی خوش بین نیستند اگر چه ظاهراً راجع به این موضوع هیچ تظاهراتی

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

از روسها نمی شود ولی مطابق راپورت‌های واصله کاملاً مخالفت آنها مشهود است. بدیهی است فوری جهت عقیم گذاردن عملیات مخالفت کارانه آنها غفلتی نکرده و مخصوصاً با عموم علما کراماً در این موضوع مذاکره نموده‌ام در ظاهر تصدیق نموده و می‌نمایند ولی معنای حالت بی طرفی خودشان را نگاه داشته‌اند. به هر حال فدوی با نهایت جدیت برای عقیم گذاردن تشبثات خارجیها همه قسم عملیات و اقدامات نموده و می‌نمایم. ضمناً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد چون ایام ماه رمضان در پیش و قطعاً لازم است برای عقیم گذاردن تشبثات اجانب بیشتر کوشش کرد و برای ارشاد و حاضر نمودن افکار اشخاصی که شاید راجع به مذهب و حجاب تلقیناتی شده باشد دستورات لازم به تمام قسمت‌ها داده‌ام، اشخاصی را جهت موعظه حاضر نمایند که از محاسن جمهوری و استحکام مذهب اسلام و غیره مذاکره نمایند و این قبیل اقدامات و اتفاقات را راپورت عرض نمی‌کنم از نقطه نظر این است که وقت حضرت اشرف کم است نهایت مراقبت از هر بابت شده و می‌شود که بعد مفصلاً عرض خواهم نمود. فرمانده کل

۱۰۳

 وزارت معارف اداره کل معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه	تاریخ: ۱۳۰۳ شماره: ۱۳۰۳ تاریخ: ۱۳۰۳	تاریخ: ۱۳۰۳ شماره: ۱۳۰۳ تاریخ: ۱۳۰۳	تاریخ: ۱۳۰۳ شماره: ۱۳۰۳ تاریخ: ۱۳۰۳
<p>بسم الله الرحمن الرحیم</p> <p>موضوع: ...</p> <p>تاریخ: ...</p> <p>شماره: ...</p> <p>تاریخ: ...</p>			

(سند شماره ۹)

وزارت جنگ

لشکر شمال غربی

مورخه ۶ برج حمل نایل ۱۳۰۳

شخصاً کشف نمایید. طبق راپورت‌های واصله به واسطه تبلیغات اجانب و اشخاص مفسده جو عده [ای] مشغول تحریکات بر علیه اوضاع فعلی هستند و انتشاراتی راجع به مذهب و حجاب و غیره در اذهان عموم می دهند. نظر به اینکه جمهوریت ابداً مربوط با مسائل مذهبی نبوده و یک طرز حکومت ملی می باشد. لازم است نهایت دقت را به عمل بیاورید که این انتشارات اجانب در اذهان عمومی عقیم ماند، مخصوصاً باید محرمانه با انواع تبلیغات از این قبیل انتشارات جلوگیری نمایید.

حتم است رژیم جمهوری اساس مذهب و اسلامیت را مستحکم تر خواهد نمود. فرمانده کل

- ۱- حکومت ماکو ۲- فرمانده قوای اردبیل ۳- کفیل قوای ثلاث

۱۰۴

نوع - مودعه اطلاع‌رسانی و رز	نوع - مودعه	نوع - مودعه	نوع - مودعه
موضوع - مودعه	موضوع - مودعه	موضوع - مودعه	موضوع - مودعه
ضمیمه	ضمیمه	ضمیمه	ضمیمه
بالتوسیه کتبه	بالتوسیه کتبه	بالتوسیه کتبه	بالتوسیه کتبه

وزارت جنگ
لشکر شمال غربی

مورخه ۶ برج حمل نایل ۱۳۰۳

۱۶

توجه: این سند در خصوص تبلیغات اجانب و اشخاص مفسده جو عده [ای] مشغول تحریکات بر علیه اوضاع فعلی هستند و انتشاراتی راجع به مذهب و حجاب و غیره در اذهان عموم می دهند. نظر به اینکه جمهوریت ابداً مربوط با مسائل مذهبی نبوده و یک طرز حکومت ملی می باشد. لازم است نهایت دقت را به عمل بیاورید که این انتشارات اجانب در اذهان عمومی عقیم ماند، مخصوصاً باید محرمانه با انواع تبلیغات از این قبیل انتشارات جلوگیری نمایید.

حتم است رژیم جمهوری اساس مذهب و اسلامیت را مستحکم تر خواهد نمود. فرمانده کل

۱- حکومت ماکو ۲- فرمانده قوای اردبیل ۳- کفیل قوای ثلاث

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

(سند شماره ۱۰)

[دستور فرمانده لشکر شمال غرب به فرماندهان تحت امر خود مبنی بر لغو فعالیتهای جمهوری خواهی و تداوم فعالیت برای خلع قاجاریه]
وزارت جنگ
لشکر شمال غربی
مورخه ۱۲ برج حمل ثیل ۱۳۰۳

فوری است

محرمانه شخصاً کشف نمایید. چون نظر به پاره ملاحظات لازم بود تغییر رژیم و اتخاذ جمهوریت به تأخیر افتد، علی هذا لازم است عملیات خودتان را راجع به پیشرفت جمهوریت فعلاً عقیم گذارده در این زمینه اقدامی ننمایید ولی محرمانه اهالی را وادار کنید که در تعقیب عملیات سابق فقط خلع سلسله سلاطین فعلی را جداً تقاضا نمایند - فرمانده کل

۱۰۵

نوع مسوده مسوده	نوع مسوده مسوده	نوع مسوده مسوده	نوع مسوده مسوده
موضوع مسوده شعبه	موضوع مسوده شعبه	موضوع مسوده شعبه	موضوع مسوده شعبه
پاک نویسی کنند	پاک نویسی کنند	پاک نویسی کنند	پاک نویسی کنند

وزارت جنگ
لشکر شمال غربی

مورخه ۱۲ برج حمل ثیل ۱۳۰۳

۱- اردبیل
۲- مرند
۳- ماکو
۴- ساوجبلاغ
۵- آستارا
۶- سراب
۷- اهر
۸- خوی
۹- زنجان
۱۰- ارومی و سلماس
۱۱- خلخال
۱۲- مراغه

۱- اردبیل
۲- مرند
۳- ماکو
۴- ساوجبلاغ
۵- آستارا
۶- سراب
۷- اهر
۸- خوی
۹- زنجان
۱۰- ارومی و سلماس
۱۱- خلخال
۱۲- مراغه

(سند شماره ۱۱)

[دستور فرمانده لشکر شمال غرب به فرماندهان تحت امرش برای تعطیلی ادارات دولتی ، به عنوان ابزار فشاری جهت تغییر رژیم]


وزارت جنگ

لشکر شمال غربی

مورخه ۱۰ برج حمل ۱۳۰۳

شخصاً گشفت کنید. امروز تعطیل دواير دولتی بر اثر نیامدن جواب از مرکز شروع و کلیه دواير دولتی تعطیل شده است ، بدون اینکه از ناحیه شما این مطلب آشکارا شود. لازم است به فوریت دواير دولتی را اهالی مجبور به تعطیل نموده تا وصول جواب از طهران و شرح تعطیل را هم رؤسای دواير و هم اهالی به نقاط ایران و به مرکز تلگراف نمایند. فرمانده کل

نوع مسوده	موضوع مسوده	ضمیمه	پاک‌نویسی کننده
موضوع مسوده			



وزارت جنگ
لشکر شمال غربی

نمبره عمومی	نمبره خصوصی	ذکر نمبره های قبل	کار تون
	۵۵		۱
			دوسه ۲

دوره
مورخه ۱۰ برج حمل ۱۳۰۳

۱۹ فروردین

تلفات کثرت کند. امروز نظیر دواير و غیره را بر سر خود جواب از مرکز
تاریخ بجهت دواير تعطیل شده است. در وقت اینکه از پیش نهادی که مطلب آنها را
هم است بجهت دواير و غیره را در آنجا بجهت نظیر شهر، و غیره که در آنجا
و در وقت نظیر را بر سر دواير و غیره را در آنجا بجهت نظیر شهر، و غیره که در آنجا

۱- اردبیل	۷- اهر
۲- ماکو	۸- خوی
۳- ولایات ثلاث	۹- ساوجبلاغ
۴- زنجان	۱۰- آستارا
۵- خلخال	۱۱- سراب
۶- مرند	۱۲- مراغه

۱- اردبیل	۷- اهر
۲- ماکو	۸- خوی
۳- ولایات ثلاث	۹- ساوجبلاغ
۴- زنجان	۱۰- آستارا
۵- خلخال	۱۱- سراب
۶- مرند	۱۲- مراغه

۱۰۶

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

(سند شماره ۱۲)

تلگراف مبارک حضرات آیات الله

دامت برکاتهم

تلگراف مبارک ذیل دستخط تلگرافی است که حضرات آیات الله حجج اسلام عتبات عالیات دامت برکاتهم برای تیشیر و تسکین خواطر عموم مسلمین از قم مخایره فرموده اند. جای هزاران شکر است که از توجه حضرت ولی عصر عج الله فرجه و برکات علمای اعلام دامت تأییداتهم اسباب آسودگی و اطمینان قلوب عامه مسلمین فراهم گردید.

متحدالمآل

بسم الله الرحمن الرحيم

جنابان مستطابان آقایان عظام حجج و ارکان اسلام و طبقات اعیان و تجار و اصناف و قاطبه ملت ایران دامت تأییداتهم. چون در تشکیل جمهوریت بعضی اظهاراتی شده بود که مرضی

عموم نبود و با مقتضیات این مملکت مناسبت نداشت لهذا در موقع تشرف حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکته برای مواعده به دار امان، قم، نقض این عنوان و الغاء اظهارات مذکوره و اعلان آن به تمام بلاد را خواستار شدیم و اجابت فرمودند. ان شاء الله تعالی عموماً قدر این نعمت را بدانید و از این عنایت کاملاً تشکر نمایید. الاحقر ابوالحسن موسوی اصفهانی الاحقر محمد حسین غروی نائینی الاحقر عبدالکریم حایری

۱۰۷

تلگرافی مبارک حضرات آیات الله
دامت برکاتهم

تلگراف مبارک ذیل دستخط تلگرافی است که حضرات آیات الله حجج اسلام عتبات عالیات دامت برکاتهم برای تسکین خواطر عموم مسلمین از قم مخایره فرموده اند. جای هزاران شکر است که از توجه حضرت ولی عصر عجل الله فرجه و برکات علمای اعلام دامت تأییداتهم اسباب آسودگی و اطمینان قلوب عامه مسلمین فراهم گردید.

متحد المآل

بسم الله الرحمن الرحيم

جنابان مستطابان آقایان عظام حجج و ارکان اسلام و طبقات اعیان و تجار و اصناف و قاطبه ملت ایران دامت تأییداتهم. چون در تشکیل جمهوریت بعضی اظهاراتی شده بود که مرضی عموم نبود و با مقتضیات این مملکت مناسبت نداشت لهذا در موقع تشرف حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکته برای مواعده به دار امان، قم، نقض این عنوان و الغاء اظهارات مذکوره و اعلان آن به تمام بلاد را خواستار شدیم و اجابت فرمودند ان شاء الله تعالی عموماً قدر این نعمت را بدانید و از این عنایت کاملاً تشکر نمایید.

الاحقر ابوالحسن موسوی اصفهانی
الاحقر محمد حسین غروی نائینی
الاحقر عبدالکریم حایری

نمبره معارف ۵
۱۴ حمل ۱۳۰۳
الاحقر محمدابن موسی

(سند شماره ۱۳)

وزارت جنگ

لشکر شمال غربی

مورخه ۱۳ خحمل نیل ۱۳۰۳

در تعقیب تلگراف سابق ، فقط در خلع سلسله سلاطین فعلی ، محرمانه جداً اقدام [کنید] کتباً و تلگرافاً به مرکز اظهار نمایید. البته بعد از آن تعیین حکومت را ملت اتخاذ خواهد نمود. اهالی اظهار نمایند به نمایندگان خود و جراید و غیره که دولت اظهار نموده است از اظهار رژیم جمهوری خودداری نماییم ، از اظهار فجایع و شایع سلاطین خودداری نمی توانیم نماییم و حتماً باید خلع شوند و جداً به وسیله مکاتیب با چندین هزار مهرها به مرکز و جراید ، عقاید خودشان را دائماً تکرار نمایند- فرمانده کل .

۱- اردبیل

۲- ساوجبلاغ

۳- ارومی و سلماس

۴- مرند

۵- خوی

۶- ماکو

۷- زنجان

۸- اهر

۹- سراب

۱۰۸

نوع مسؤله حادثه	نوع موضوع موضوع	تاریخ مورخه ۱۳ خحمل نیل ۱۳۰۳
نوع مسؤله حادثه	نوع موضوع موضوع	تاریخ مورخه ۱۳ خحمل نیل ۱۳۰۳

وزارت جنگ
لشکر شمال غربی

مورخه ۱۳ خحمل نیل ۱۳۰۳

در تعقیب تلگراف سابق فقط در خلع سلسله سلاطین فعلی و غیره که دولت اظهار نموده است از اظهار رژیم جمهوری خودداری نماییم و حتماً باید خلع شوند و جداً به وسیله مکاتیب با چندین هزار مهرها به مرکز و جراید ، عقاید خودشان را دائماً تکرار نمایند- فرمانده کل .

۱- اردبیل
۲- ساوجبلاغ
۳- ارومی و سلماس
۴- مرند
۵- خوی
۶- ماکو
۷- زنجان
۸- اهر
۹- سراب

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

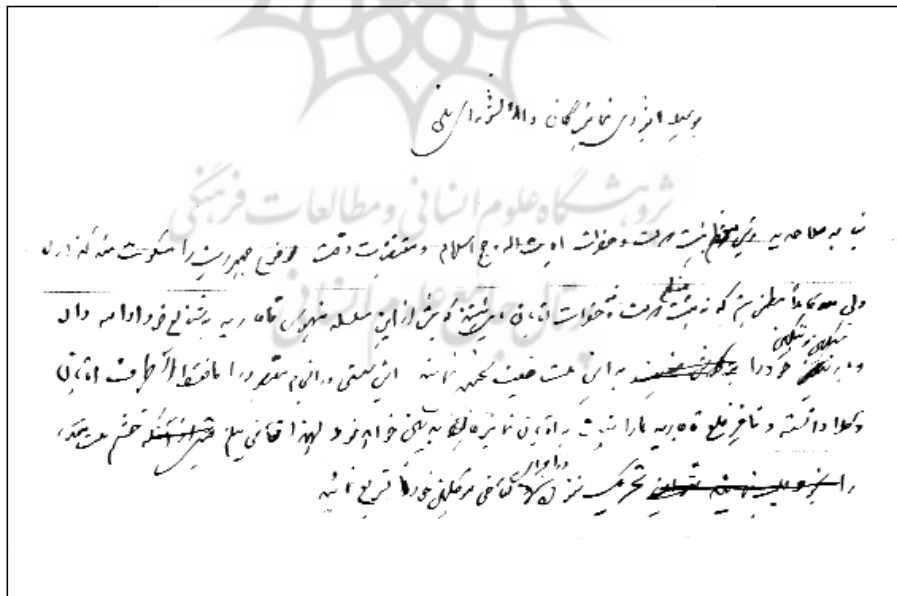
(سند شماره ۱۴)

[تلگراف برای خلع قاجاریه]

به وسیله ایزدی نمایندگان دارالشورای ملی

بنا به صلاحدید رئیس معظم هیئت دولت و حضرات آیات الله و حجج اسلام و مقتضیات وقت موضوع جمهوریت را مسکوت عنه گذارده ، ولی کاملاً مطمئن هستیم که نه هیئت معظم دولت و نه حضرات آقایان مایل نیستند که بیش از این سلسله منهوس [منحوس] قاجاریه به شایع خود ادامه داده و بار سنگین و ننگین خود را به این ملت ضعیف تحمیل نمایند. این سستی در انجام مقصود را ما فقط از طرف آقایان و کلا دانسته و تأخیر خلع قاجاریه ما را نسبت به آقایان نمایندگان بدبین خواهد نمود، لهذا تقاضی [تقاضا] می کنیم خشم ملت مقتدر را تحریک نموده در اجرای تقاضی [تقاضا] موکلین خود تسریع نمایید.

۱۰۹



(سند شماره ۱۵)

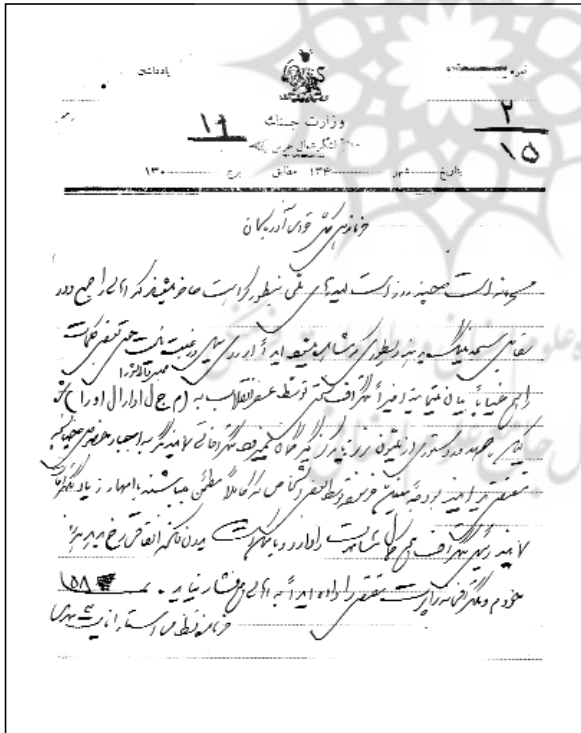
[گزارش فرمانده نظامی آستارا به فرمانده قوای آذربایجان درباره بی‌ رغبتی و اکراه مردم برای اقدام در خلع قاجاریه]

وزارت جنگ
لشکر شمال غربی
فرماندهی کل قوای آذربایجان

محرمانه است. چند روز است لیدرهای ملی به طور کراهت حاضر می‌شوند که اهالی را جمع و در مقابل مسجد میتینگ بدهند و به طوری که مشاهده می‌شود ابداً از روی میل و رغبت نیست، حتی بعضی کلمات را هم غیباً بیان می‌نمایند. اخیراً تلگراف سختی توسط عصر انقلاب به (مجله ادارال اورا) مجلس دارالشورا شد. لیکن با صدور دستوری از ملیون تبریز

به مرکز دیگر گمان نمی‌رود تلگرافاتی نمایند مگر به اجبار خصوصی. چنانچه مقتضی بدانید بودجه معین فرموده توسط بعضی اشخاص که کاملاً مطمئن می‌باشند با امهار زیاد تلگرافات نمایند، رئیس تلگراف هم کمال مساعدت را دارد و یا ممکن است بدون اینکه اتفاقی رخ بدهد، هر روز خودم و تلگراف خانه راپرت مقتضی را داده، ابداً به اهالی هم فشار نیاید. نمره ۵۸

۱۱۰



فرمانده نظامی آستارا نایب
۳ مهدی

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

(سند شماره ۱۶)

[گزارش قلعه بیگی آستارا به فرمانده قوای آذربایجان درباره سنگینی مخارج تلگرافات برای مردم]

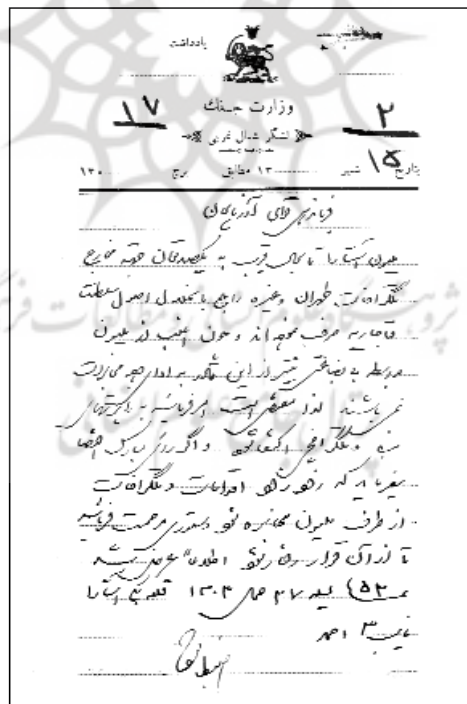
وزارت جنگ

لشکر شمال غربی

فرماندهی قوای آذربایجان

ملیون آستارا تا به حال قریب یکصد تومان جهت مخارج تلگرافات طهران و غیره راجع به انحلال اصول سلطنت قاجاریه صرف نموده اند و چون اغلب از ملیون به واسطه بی بضاعتی، بیشتر از این قادر به ادای وجه مخابرات نمی باشند. لذا مقتضی است امر فرماید به راپرتهای بنده و تلگرافچی اکتفا شود و اگر رأی مبارک اقتضا می فرماید که زود زود اقدامات و تلگرافات از طرف ملیون مخابره شود، دستوری مرحمت فرماید تا از آن قرار رفتار شود. اطلاعاً عرض شد. نمره ۵۲ لیلہ ۲۷ حمل ۱۳۰۳ قلعه بیگی آستارا نایب ۳ احمد

۱۱۱



(سند شماره ۱۷)

[گزارش سر تیب ابوالحسن به فرمانده قوای آذربایجان درباره مخالفت میرزا علی اکبر اردبیلی و سردار فاتح با جمهوریت و خلع قاجاریه]

وزارت جنگ

لشکر شمال غربی

فرمانده قوای آذربایجان

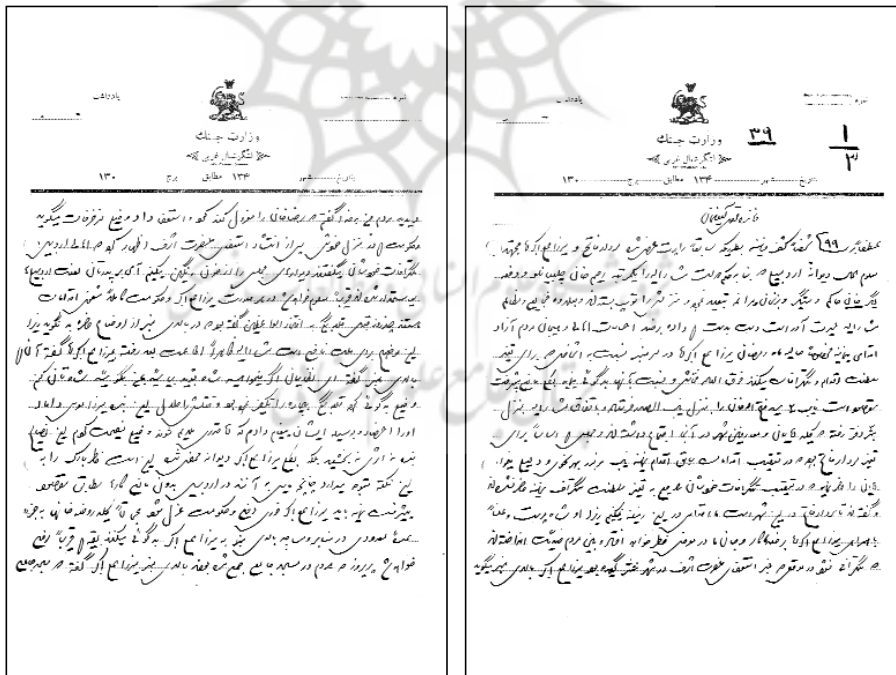
عظماً به نمره ۹۹ شخصاً کشف فرمایند. به طوری که سابقاً راپرت عرض شده سردار فاتح و میرزا علی اکبر آقا مجتهد معلوم الحال دیوانه اردبیلی که بنا به حکم دولت مشارالیه را یک مرتبه رحیم خان چلبیانلو و دفعه دیگر خان حاکم دستگیر و به زنجان و مراغه تبعید نموده و منزلش را توپ بسته اند و به علاوه فجایع و مظالم مشارالیه حیرت آور است، دست به دست هم داده برضد احساسات اهالی و هیجان مردم آزاد اقدامی می نمایند. مخصوصاً حالیه ماه رمضان، میرزا علی اکبر آقا در سر منبر نسبت به اشخاصی که برای تغییر سلطنت اقدام و تلگراف می کنند، فوق العاده فحاشی و نسبت به آنها بدگویی می نماید. به کلی مانع پیشرفت مقصود است. نایب ۲ سیدفتح الله خان را به منزل نایب الصدر فرستاده و به اتفاق مشارالیه به منزل مبشر دفتر رفته که کلیه آقایان و معارفین شهر در آنجا اجتماع داشته اند و مجلس هم اساساً برای تغییر سردار فاتح بوده که در تعقیب اقدامات سابق اقدام نمایند. نایب مزبور به هر نحوی و دلیلی می خواسته آقایان را حاضر نماید که در تعقیب تلگرافات خودشان راجع به تغییر سلطنت تلگراف نمایند حاضر نشده اند و گفته اند تا سردار فاتح در این شهر است، ما اقدامی در این زمینه نمی کنیم زیرا او شاه پرست و علناً با همراهی میرزا علی اکبر آقا بر ضد ما کار و جان ما در معرض خطر خواهد افتاد و بین مردم ضدیت انداخته اند که تلگرافی نشود، در موقعی که خبر استعفای حضرت اشرف در شهر منتشر گردیده بود، میرزا علی اکبر بالای منبر می گوید دیدید مردم من به خدا گفتم که رضاخان را معزول کند کرد، استعفا داد و خیلی مزخرفات می گوید و حکومت هم در منزل خودش پس از انتشار خبر استعفای حضرت اشرف اظهار کرد که اهالی اردبیل در تلگرافات خودشان می گفتند دیوارهای مجلس را از خون رنگین می کنیم، آی بر پدرتان لعنت، اردبیلیها سیاستمدار شده اند، قریباً معلوم خواهد شد. در هر صورت میرزا علی اکبر و حکومت کاملاً مشغول اقدامات هستند. چند روز قبل قلعه بیگی به افتخار الواعظین گفته بود که در بالای منبر از اوضاع حاضر بد نگویید زیرا این موضوع برای ملت نافع است. مشارالیه ظاهراً اطاعت [کرده است]، بعد رفته به میرزا علی اکبر آقا گفته، آن هم بالای منبر گفته ای نظامیان اگر می خواهید

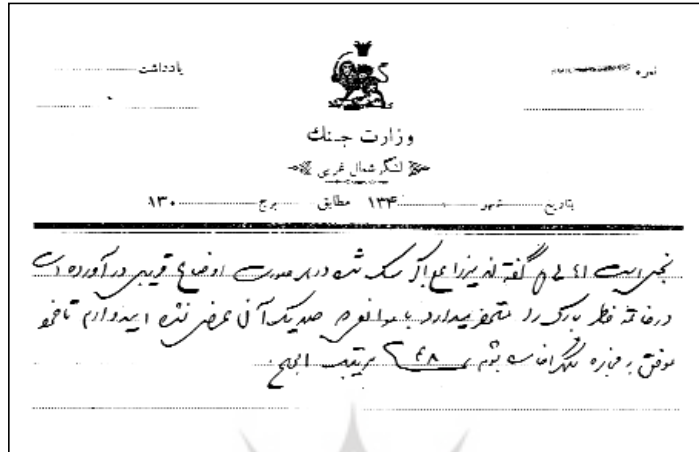
تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

شاه بشوید بیاید به من بگوید شاه تان کنم و خیلی بدگویی کرده ، قلعه بیگی بیچاره را تکفیر نموده بود و قتلش را حلال . این بنده میرزا موسی داماد او را احضار و به وسیله ایشان پیغام دادم که آقا قدری ملایم شوند و خیلی نصیحت کردم . این نصایح بنده نه اثری نبخشید بلکه به کلی میرزا علی اکبر دیوانه محض شده . این است خاطر مبارک را به این نکته متوجه می دارد چنانچه مایل به آن اند در اردبیل بدون مانع کارها مطابق مقصود پیشرفت نماید ، باید میرزا علی اکبر فوری دفع و حکومت عزل شود ، عجالاً کلیه روضه خانها [خوانها] به جز عده معدودی در منابر و مساجد بالای منبر به میرزا علی اکبر بدگویی می کنند بقیه هم تقریباً رفع خواهد شد .

پریروز که مردم در مسجد جامع جمع شده بودند ، بالای منبر میرزا علی اکبر گفته که مسجد جامع نجس است ، اهالی هم گفته اند میرزا علی اکبر سگ شده . در هر صورت اوضاع قریبی [غریبی] درآورده است . در خاتمه خاطر مبارک را مستحضر می دارد با مواعی که صد یک آن عرض نشده ، امیدوارم تا خود موفق به مخابره تلگرافات بشوم .

نمره ۴۸ سرتیب ابوالحسن





پانوشتها

- ۱- نصرالله خان صدرالممالک اردبیلی متخلص به نصرت، سیاست‌پیشه و شاعر و درویش مسلک بود. او مدتی معلم محمدمیرزا (محمدشاه قاجار) بود، و پس از قتل قائم مقام فراهانی، تلاش زیادی کرد تا صدراعظم شود، اما حاجی میرزا آقاسی بر اریکه صدارت نشست و میرزا نصرالله خان، با لقب صدرالممالک به وزارت و وظائف و اوقاف منصوب گردید. در ۱۲۶۵ ق، به دنبال شورش‌هایی که در تهران به هدف برکناری امیرکبیر صورت گرفت، صدرالممالک یکی از محرکان شورش شناخته، ابتدا به قم و سپس به کرمانشاه تبعید شد و در ۱۲۷۲ ق، همانجا درگذشت (بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، ج چهارم، ۱۳۷۱ ش، ج ۴، صص ۳۲۶-۳۲۷).
- ۲- جهانگیر میرزا، تاریخ نو، به اهتمام عباس اقبال، تهران، علمی و شرکاء، ۱۳۲۷ ش، ص ۳۱۸.
- ۳- هدایت، مهدیقلی، گزارش ایران، تهران، نشر نقره، ج دوم، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۴۰.
- ۴- کربلایی، شیخ حسن، قرارداد رزی ۱۸۹۰م- یا تاریخ انحصار دخانیات در سال ۱۳۰۹ هـ ق، تهران، مبارزان، ج دوم، ۱۳۶۱ ش، صص ۱۱۳-۱۱۴.
- ۵- آدمیت، فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، پیام، ج ۱، صص ۱۹۵-۲۰۴.

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

- ۶- ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، کتاب دوم، تهران، علمی، ج سوم، ۱۲۷۱ ش، صص ۳۲۸، ۳۶۳.
- ۷- ناظم الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه، نوین، ج چهارم، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، صص ۴۴۴، ۴۴۵.
- ۸- شریف کاشانی، محمد مهدی، واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲ ش، ص ۴۶.
- ۹- هدایت، پیشین، ص ۲۰۹.
- ۱۰- ملک زاده، پیشین، کتاب ششم، ص ۱۲۳.
- ۱۱- کمره ای، سیدمحمد، خاطرات، به کوشش محمدجواد مرادی نیا، تهران، شیرازه، ج ۲، صص ۱۵۲۷، ۱۵۵۵، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۴.
- ۱۲- فخرایی، ابراهیم، سردار جنگل، تهران، جاویدان، ج دوازدهم، ۱۳۶۸ ش، صص ۲۴۶، ۲۵۰.
- ۱۳- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، علمی، ج ششم، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، صص ۲۹۹، ۳۰۱.
- ۱۴- ملک الشعراى بهار، محمدمتقی، تاریخ احزاب سیاسى ایران، تهران، امیرکبیر، ج دوم، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، صص ۱۵۹، ۱۶۰؛ آذری، علی، قیام کلل محمدمتقی خان پسیان در خراسان، تهران، کاویان، ج سوم، ۱۳۴۴ ش، صص ۴۳۹، ۴۴۳.
- ۱۵- خاطرات سری آیرو نسايد، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگى با همکارى مؤسسه خدمات فرهنگى رسا، ۱۳۷۳ ش، صص ۳۳۶، ۳۵۹، ۳۶۸.
- ۱۶- پیشین، صص ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۲.
- ۱۷- رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی، به اهتمام غلامحسین میرزاصالح، طرح نو، ۱۳۷۲ ش، صص ۶۹، ۷۱.
- ۱۸- عین السلطنه، قهرمان میرزا، روزنامه خاطرات، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۹ ش، ج ۸، ص ۶۶۵۷.
- ۱۹- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۸۴.
- ۲۰- ملک الشعراى بهار، پیشین، ج ۲، ۱۶۴.
- ۲۱- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، تهران، زوار، ج سوم، ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص ۵۸۴.
- ۲۲- عین السلطنه، پیشین، ج ۸، ص ۶۶۵۷.
- ۲۳- مکی، پیشین، ج ۲، صص ۴۴۱، ۴۴۲.
- ۲۴- برای اطلاع از زندگی سیاسى علی دشتى بنگرید به مقاله: زندگى و زمانه علی دشتى، مندرج در شماره اول فصلنامه مطالعات تاریخی، صص ۹-۱۳۸.
- ۲۵- شفق سرخ، شماره ۷۴ (۲۶ جدی ۱۳۰۲)، ص ۱.
- ۲۶- پیشین، همان جا.
- ۲۷- پیشین، شماره ۷۶ (۳ دلو ۱۳۰۲)، ص ۱.

- ۲۸- میرزا حسین خان صبا ملقب به کمال السلطان از حدود ۱۳۳۳ ق روزنامه ستاره ایران را تأسیس کرد. در ۱۲۹۸ ش به سبب مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ م توسط وثوق الدوله به قزوین تبعید گشت. صبا در ۱۳۰۱ ش به دلیل انتشار مقاله ای طنزآمیز در انتقاد از اعطای لقب به رؤسای ایل زعفرانلو که در ماجرای قتل پسیان دست داشتند، به دستور سردار سپه وزیر جنگ به سختی شلاق خورد و مدتی در زندان بسر برد، پس از آن با وساطت علی دشتی به رضاخان نزدیک شد و حتی از حمایت مالی سردار سپه برخوردار گردید. به هنگام غوغای جمهوری، روزنامه ستاره ایران یکی از مدافعان دو آتشه جمهوری بود. صبا در ۳ مهر ۱۳۰۳ به مرض سکنه درگذشت، به دستور سردار سپه، تشییع جنازه مفصلی برای او برگزار شد و دولت هزینه مراسم و مجالس مرگ او را پرداخت (رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی، به اهتمام غلامحسین میرزاصالح، طرح نو، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۷۷؛ دشتی، علی، پنجاه و پنج، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴ ش، صص ۹۵-۱۰۰).
- ۲۹- ابوطالب شیروانی در ۱۲۹۸ ش روزنامه میهن را در اصفهان منتشر کرد؛ سال بعد توسط ماژور فضل الله خان، رئیس ژاندارمری آن شهر دستگیر شد و پس از شلاق خوردن، به تهران فرستاده شد و مدتی در باغ شاه زندانی گشت. او پس از آزادی، روزنامه میهن را این بار در تهران نشر داد. شیروانی از جمله اعضای هیئت مؤسسه حزب رادیکال است. این حزب به رهبری علی اکبر داور، سهم بسزایی در انتقال قدرت به رضاخان داشت و اعضای حزب به مناصبی چون نمایندگی مجلس، سفارت و وزارت رسیدند. شیروانی در دوره های پنجم و ششم مجلس شورای ملی و نیز اولین دوره مجلس مؤسسان (۱۳۰۴ ش) نمایندگی قمشه را داشت. پس از آن تا پایان دوره سلطنت رضاشاه خانه نشین گشت و پس از شهریور ۱۳۲۰ دوباره به عرصه سیاست و مطبوعات بازگشت (صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان، کمال، ۱۳۶۴ ش، ج ۴، صص ۲۴۶-۲۴۷).
- ۳۰- شکرالله صفوی از ۱۳۰۱ ش متجاوز از پنجاه سال روزنامه کوشش را در تهران نشر داد. او چندین دوره ریاست انجمن مطبوعات ایران، هفت دوره نمایندگی مجلس شورای ملی و چند دوره نمایندگی مجلس سنا را عهده دار بود. صفوی به طرفداری از سیاست انگلیس در ایران شهرت داشت (آرامش، احمد، خاطرات سیاسی، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران، نشر جی، ۱۳۶۹ ش، ص ۵۷).
- ۳۱- روزنامه ستاره ایران، سال نهم، شماره ۱۱۲ (۹ دلو ۱۳۰۲)، ص ۱.
- ۳۲- عین السلطنه، پیشین، ج ۹، ص ۶۷۳۴.
- ۳۳- روزنامه ستاره ایران، سال نهم، شماره ۱۴۵ به بعد.
- ۳۴- عین السلطنه، پیشین، ج ۹، ص ۶۷۲۷.
- ۳۵- گلشایان، عباسقلی، خاطرات من، تهران، اینشتین، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۹۳.
- ۳۶- مکی، پیشین، ج ۲، صص ۴۸۰، ۴۸۲.
- ۳۷- سیف پورفاطمی، نصرالله، آئینه عبرت، خاطرات و رویدادهای تاریخ معاصر ایران، لندن، جبهه ملیون، ج ۱، ص ۳۴۲.
- ۳۸- دهنوی، محمد «برگهایی از تاریخ»، تاریخ معاصر ایران، کتاب چهارم، زمستان ۱۳۷۱ ش، صص ۲۳۹، ۲۴۰.
- ۳۹- پیشین، ص ۲۴۱.

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

۴۰- سیدمحمد بیرجندی که به سبب تأسیس و مدیریت مدرسه ای به نام تدین، مشهور به تدین شد، ابتدا لباس روحانیت به تن داشت اما بعداً مکلاً گشت. او در دوران مشروطه به عضویت حزب دمکرات (اجتماعیون عامیون)، به رهبری سیدحسن تقی زاده درآمد؛ در چهارمین دوره مجلس شورای ملی نماینده بود، تدین از طرفداران پر و پا قرص قرارداد ۱۹۱۹ م بوده و در کمیته حمایت از قرارداد عضویت داشت. پس از کودتای ۱۲۹۹ از جمله بازداشت شدگان بود؛ وی در جریان نهضت جنگل از طرف دولت مرکزی برای ایجاد تفرقه میان نیروهای جنگل به رشت رفت و توفیقاتی نیز حاصل کرد؛ پس از آن دست بیعت به سردار سپه سپرد. تدین به مجلس پنجم نیز راه یافت و در سمت نایب رئیس مجلس و رئیس فراکسیون تجدد نقش مؤثری در ماجرای جمهوریت داشت و به گفته سلیمان بهبودی مباشرت دستجات جمهوری خواه و جوه مربوط به آن در اختیار او بود و حتی متهم به حیف و میل گردیده بود. پس از استعفاء مؤتمن الملک از ریاست مجلس پنجم، تدین رئیس شد و جلسه نهم آبان ۱۳۰۴ را که مجلس پنجم رأی به خلع قاجار داد او را اداره کرد. وی در دوره ششم مجلس شورای ملی نیز نماینده شد و به ریاست مجلس رسید، اما در دی ۱۳۰۵ تصدی وزارت معارف و اوقاف را به او سپردند. سال بعد گرفتار غضب رضاشاه گردیده و خانه نشین گشت. پس از شهریور ۱۳۲۰ در چند کابینه دوباره وزیر شد، در ۱۳۲۸ ش به مجلس سن راه یافت و در ۱۳۳۰ ش درگذشت.

۴۱- حسن مشار (مشارالملک)، ابتدا به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. در اولین دوره مجلس شورای ملی به عنوان نماینده اشراف و ملاک از تهران به عضویت مجلس درآمد. او به همراه سیدحسن تقی زاده، جوادخان سعدالدوله و... در تدوین قانون اساسی مشارکت داشت. در ۱۲۹۴ ش معاون و ثوق الدوله، وزیر مالیه شد و سال بعد در کابینه اول و ثوق تصدی وزارت مالیه را عهده دار گشت. او و و ثوق الدوله از طریق تبانی با تجارت خانه تومانیانس از قبل صدور و تأمین مصرف داخلی تریاک، سود هنگفتی به جیب زدند. مشار در کابینه های بعدی سمت خود را حفظ کرد و در کابینه قرارداد وزیر مشاور بود. پس از کودتای ۱۲۹۹، جانشین مغرور میرزا موثق الدوله، وزیر دربار احمدشاه گردید. در ۱۳۰۰ ش در مرتبه تا آستانه تصدی مقام ریاست وزراء پیش رفت، اما نه تنها بخت با او یار نگردید، بلکه در مرتبه دوم، سردار سپه او را به اتهام توطئه برای قتل رئیس الوزرای وقت (قوام) و وزیر جنگ (سردار سپه) به عراق تبعید کرد. پس از آن مشار پذیرفت که در سایه رضاخان حرکت کند و به خدمت او درآید. در جریان ماجرای جمهوری، مشارالملک نقش فعالی داشت. بیانیه چهل تن از رئیس الوزراء و وزرای سابق در حمایت از جمهوری و تغییر رژیم به کوشش او نوشته و امضا شد. مشار به پاس خدماتش در شهریور ۱۳۰۳ در کابینه سردار سپه، وزیر امور خارجه گردید و تا دی ۱۳۰۴ عهده دار این سمت بود. از آبان ۱۳۰۸ تا فروردین ۱۳۰۹ نیز تصدی وزارت مالیه را داشت. مشار هم همانند بسیاری از کسانی که در به قدرت رسیدن رضاشاه نقش داشتند، در ۱۳۱۶ ش مورد غضب شاه قرار گرفته، محکوم به اعدام شد، پس از آنکه رضاشاه از اعدام او درگذشت، به اروپا رفت تا در ۱۳۲۷ ش همان جا درگذشت (بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۱، صص ۳۴۶، ۳۴۷).

۴۲- سلیمان میرزا اسکندری، شاه زاده قاجاری که نسب به عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلی شاه، می رساند. سلیمان میرزا در دوره دوم مجلس شورای ملی به مجلس راه یافت و رئیس فراکسیون دمکراتها بود. در دوره سوم مجلس شورای ملی نیز حضور داشت. پس از انشعاب در حزب دمکرات، حزب سوسیالیست را بنیان نهاد. سلیمان میرزا در دوره چهارم مجلس شورای ملی رئیس اقلیت سوسیالیست مجلس بود و با آیت الله مدرس رهبر اکثریت مجلس برخورداردهایی داشت. شاه زاده

فصلنامه مطالعات تاریخی

قاجاری در اولین کابینه سردار سپه به وزارت معارف و اوقاف رسید و در جریان جنبش جمهوری خواهی فعال بود. اسکندری تا ۹ آبان ۱۳۰۴ که خاندان قاجار از قدرت خلع شدند، سردار سپه را پشتیبانی کرد؛ اما به سبب مخالفت با موروثی شدن سلطنت پهلوی، در مجلس مؤسسان رأی به سلطنت رضاشاه نداد، پس از آن تا شهریور ۱۳۲۰ از فعالیت سیاسی دوری جست. آخرین تکاپوی سیاسی اسکندری مشارکت در تأسیس حزب توده و پذیرفتن رهبری حزب تا زمان مرگ در ۱۳۲۲ ش بود.

۴۳- هدایت، مهدیقلی، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، چ سوم، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۶۵.

۴۴- عین السلطنه، پیشین، ج ۹، ص ۶۷۳۰.

۴۵- روزنامه ستاره ایران، سال نهم، شماره ۱۵۰ [۲۷ حوت ۱۳۰۲]، ص ۱.

۴۶- پیشین، شماره ۱۴۸ [۲۴ حوت ۱۳۰۲]، ص ۱.

۴۷- پیشین، شماره ۱۵۱ [۲۸ حوت ۱۳۰۲]، ص ۵.

۴۸- شیخ محمد خالصی زاده (۱۳۰۸ - ۱۳۸۳ ق)، فرزند شیخ مهدی خالصی در کاظمین به دنیا آمد. تحصیلات حوزوی را در عتبات عالیات نزد پدر و دیگر استادان حوزه تا مرتبه اجتهاد ادامه داد. خالصی زاده به سبب شرکت فعال در انقلاب ضد استعماری شیعیان عراق در ۱۹۲۰ م و نیز تداوم مخالفت در مقابل کارگردانان داخلی انگلستان بر این کشور، به دستور ملک فیصل، دست نشانده انگلستان بر عراق، در دی ۱۳۰۱ به ایران تبعید شد. با تبعید پدر او به حجاز، تنی چند از روحانیون بلندمرتبه نظیر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا حسین نائینی، معترضان عراق را ترک و آهنگ ایران کردند. خالصی زاده در ایران نیز از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی غفلت نورزید و مکرر در تهران اقدام به برپایی میتینگهای تبلیغاتی بر ضد انگلستان کرد. وی از جمله مخالفان فعال، جمهوری رضاخانی بود و از طریق سخن رانی، صدور بیانیه و برپایی تجمع و راهپیمایی در مقابل جمهوری خواهی ایستاد و حتی پس از شکست ماجرای جمهوریت، خواستار برکناری رضاخان از مقام ریاست وزرا گردید. همین مخالفتها، باعث شد او تا پایان سلطنت رضاشاه و حتی مدتی پس از آن در تبعید به سر برد. خالصی زاده در سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ ش، ابتدا اقدام به انتشار هفته نامه نور کرد، با توقیف آن نشریه، هفته نامه وظیفه را منتشر کرد. وی سالهای پایانی عمرش را در عتبات عالیات سپری کرد. از خالصی زاده آثار و نوشته های بسیاری بر جای مانده و نشر یافته است.

۴۹- مکی، پیشین، ج ۲، صص ۴۸۴، ۴۸۵.

۵۰- ملک الشعراى بهار، پیشین، ج ۲، صص ۴۳، ۵۰؛ مستوفی، پیشین، ج ۳، صص ۵۹۷، ۶۰۰.

۵۱- روزنامه ستاره ایران، شماره ۱۵۷ [۱۱ حمل ۱۳۰۳]، ص ۱.

۵۲- مستوفی، پیشین، ج ۳، ص ۵۹۹.

۵۳- علی اکبر اردبیلی معروف به مجتهد اردبیلی، فرزند محسن مجتهد اردبیلی است؛ وی تحصیلات حوزوی را در اردبیل، زنجان و نجف تا مرتبه اجتهاد به انجام رساند؛ و سالها در اردبیل به اقامه جماعت، تدریس و تبلیغ مشغول بود. مجتهد اردبیلی بارها با حکام و مأموران دولتی درگیر شد که نتیجه آن چندین بار تبعید به شهرهای مختلف بود. در جمادی الثانی ۱۳۲۹ هنگامی که خبر تجاوز نظامیان روسی به اردبیل شایع گردید، اردبیلی حکم به جهاد داد و خود آماده رزم شد. او اهتمام جدی به رعایت احکام دینی و شرعیات داشت. مجتهد اردبیلی با تبلیغات بلشویکها، جمهوری خواهی و سپس تغییر

تأملی در جمهوری رضاخانی با اتکاء به اسناد تاریخی

سلطنت به شدت مخالفت ورزید.

۵۴- رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی...، صص ۱۳۳-۱۳۶.

۵۵- رحیم زاده صفوی، اسرار سقوط احمد شاه، به کوشش بهمن دهگان، تهران فردوس؛ ۱۳۶۲ ش، صص ۸۵-۸۶.

۵۶- مکی، پیشین، ج ۲، ص ۴۹۵.

۵۷- منظور روزنامه های ستاره ایران و شفق سرخ است.

